

تحلیل داده‌های طبقه‌شناسی «محمد بن عیسی بن عبید»

در پرتو منابع رجالی و حدیثی

سید علیرضا حسینی شیرازی^۱

محمد لطفی پور^۲

چکیده

«ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید عیبی» از روایان فعال در عرصه انتقال تراث حدیثی امامیه و پُرروایت در منابع حدیثی شیعه است. گفت‌وگو درباره طبقه روایی و تعاملات حدیثی «محمد بن عیسی» به دلیل نقش بسیار در اعتبارسنجی روایات وی، از قرن سوم پیوسته مورد توجه دانشجویان و پژوهش‌گران قرار گرفته است. نخستین خاستگاه گفت‌وگو پیرامون طبقه محمد بن عیسی بن عبید عبارت «نصر بن صباح» - از مشایخ کَشّی - است که به کتاب «رجال کَشّی» و به دنبال آن به «رجال نجاشی» راه یافت. سخن وی چالش جدی را در تعامل حدیثی گسترده محمد بن عیسی با «حسن بن محبوب» و «یونس بن عبدالرحمان» و نیز بهره‌گیری مستقیم وی از امام رضا علیه السلام پیش آورده است.

برخی از دانشجویان رجال و فقیهان، چنین برداشت کرده‌اند که استثنای ابن‌ولید قمی نسبت به محمد بن عیسی نیز به دلیل وجود خلل در طبقه وی بوده است؛ بدین بیان که وی با توجه به خردسال بودن، امکان عملی نقل از یونس بن عبدالرحمان را بدون واسطه ندارد.

در پژوهش حاضر پس از بررسی و تعیین دوره زندگی محمد بن عیسی بن عبید (ولادت و وفات) بر پایه قرینه‌ها به بحث تحمّل حدیث وی از امامان شیعه و داد و ستد حدیثی او با اصحاب پرداخته شده است.

گفتنی است در این پژوهش به هدف برون‌رفت از چالش‌های موجود پیرامون رابطه روایی محمد بن عیسی در اخذ حدیث، به سه راهکار نوین در تعیین طبقه روایی، روی آورده شده که دستاورد آن چنین است: با توجه به قرینه‌های فراوان، هیچ ابهام و خللی در طبقه محمد بن عیسی وجود ندارد؛ بلکه امکان تحمّل حدیث وی از امام رضا علیه السلام و حسن بن محبوب و یونس اثبات می‌شود.

۱. استاد سطح عالی مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم (Sahoseini14@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم (Mohammad.lotfipur@gmail.com).

واژگان کلیدی

راویان امام رضا علیه السلام حسن بن محبوب، یونس بن عبدالرحمان، طبقه‌شناسی راویان، رجال، علوم

حدیث

درآمد

ابوجعفر محمد بن عیسی بن عبید غبیدی، راوی فعالی در عرصه انتقال میراث حدیثی امامیه و «کثیر الروایة» در منابع حدیثی شیعه است. همو با حضور در ۱۴۵۱ سند، از راویان پرتکرار در کتب اربعه و همچنین از حلقه‌های اصلی اتصال طبقه اصحاب امام رضا علیه السلام و امامان بعدی به طبقه مشایخ کلینی به شمار می‌آید. وی در کتب اربعه از حدود ۱۳۰ نفر نقل روایت کرده است که برخی از مشایخ وی مانند یونس بن عبدالرحمان، محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حماد بن عیسی، احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، حسن بن محبوب و عبدالله بن المغیره البجلی از اصحاب اجماع هستند.^۳ همچنین حدود بیست محدث بلندمرتبه همانند علی بن ابراهیم، سعد بن عبدالله القمی، محمد بن احمد بن یحیی الاشعری، محمد بن حسن صفار، احمد بن محمد بن خالد، احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، محمد بن علی بن محبوب و عبدالله بن جعفر الحمیری از وی حدیث شنیده‌اند.^۴ بیشتر روایات وی در موضوعات فقهی شیعه است.

محمد بن عیسی به غیر از نقش طریقی که در انتقال کتاب‌های اصحاب امامیه داشته، کتاب‌ها و آثار علمی متعددی از خود بر جای گذاشته که در منابع فهرستی به ثبت رسیده است.^۵ با وجود جایگاه چشم‌گیر محمد بن عیسی در تاریخ حدیث شیعه، در طبقه روایی وی چالش‌ها و ابهاماتی وجود دارد که توجه دانشجویان رجال و فقه را در قرن‌های مختلف به خود جلب کرده و پیرامون آن دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است.

رسالت نوشتار حاضر، بازیابی و کنار هم گذاری قرینه‌ها و شواهد جهت تحلیل و چالش‌زدایی از طبقه محمد بن عیسی بن عبید می‌باشد؛ مسأله‌ای که تاکنون با این گستردگی مطرح نشده و روش این پژوهش برای رسیدن به نتیجه نیز نو است.

۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰.

۴. در برنامه درایة النور (محیط: اسناد، سربرگ راوی) با جست‌وجوی محمد بن عیسی بن عبید می‌توان در قسمت‌های «روی عن» و «روی عنه» به این‌گونه آمار دست یافت.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶.

الف) مبانی و روش پژوهش

در این پژوهش از روشی نوین استفاده شده که نیازمند تبیین است. همچنین با ذکر مبانی تحقیق، خوانندگان، بهتر می‌توانند روند پژوهش را دنبال کنند.

۱. چیستی طبقه‌راوی

در فرآیند اعتبارسنجی حدیث، گفت‌و شنود پیرامون مرزبندی و ساماندهی طبقه راویان، نمود چشم‌گیری پیدا می‌کند؛ زیرا در ارزیابی احادیث، شناخت طبقه راوی و احراز اتصال ارتباط میان سلسله راویان سند، بسیار کارآمد است.

ریشه واژه طبقه، یعنی «طبق» در لغت به معنای قراردادن چیزی است بر روی شیء مانند خود، به گونه‌ای که او را بپوشاند.^۶

تعاریف مختلفی برای معنای اصطلاحی این واژه در علوم حدیث ذکر کرده‌اند؛ از جمله می‌توان به تعریف سیوطی^۷ اشاره کرد که مورد پذیرش برخی عالمان حوزه حدیثی حله و شهید ثانی قرار گرفته است. شهید می‌گوید:

الطَّبَقَةُ فِي الْإِصْطِلَاحِ: عِبَارَةٌ عَنْ جَمَاعَةٍ اشْتَرَكُوا فِي السَّنِّ وَ لِقَاءِ الْمَشَايِخِ؛
فَهُمْ طَبَقَةٌ، ثُمَّ بَعْدَهُمْ طَبَقَةٌ أُخْرَى.^۸

البته برخی از دانشیان معاصر، تعریف خود را فارغ از اشتراک سنّ راویان بیان کرده‌اند.^۹ به‌طور چکیده از مجموعه تعاریف می‌توان طبقه راوی را این‌گونه بازنمایی کرد: شناخت تقریبی عصر فعالیت‌های حدیثی راوی در دو دوره تحمّل حدیث (زمان علم‌آموزی) و ادای تحدیث (آموزش اندوخته‌ها به‌نسل‌های پسین)

دانشیان رجال شیعه، چهار گونه به بیان طبقه راوی پرداخته‌اند: یکم. گونه نخستین را در کتاب‌های رجال برقی، شیخ صدوق^{۱۰} و شیخ طوسی می‌توان یافت. اهتمام این دسته از کتاب‌ها به بیان و معرفی طبقه راوی است که محور را معمولاً بر پایه ارتباط راویان با امامان شیعه قرار داده و ایشان را به‌عنوان اصحاب ائمه علیهم‌السلام ذکر کرده‌اند.^{۱۱}

۶. معجم المقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۳۹: طَبَقَ، وَ هُوَ يُدَلُّ عَلَى وَضْعِ شَيْءٍ مَبْسُوطٍ عَلَى مِثْلِهِ حَتَّى يَغْطِيَهُ.

۷. تدریب الراوی، ج ۲، ص ۹۰۹: قَوْمٌ تَقَارَبُوا فِي السَّنِّ وَ الْإِسْنَادِ أَوْ فِي الْإِسْنَادِ فَقَطَّ بَأَن يَكُونُ شَيْخُ هَذَا هُمْ شَيْخُ الْآخَرِ، أَوْ يُقَارَبُوا شَيْخُوهُ.

۸. الرعاية في علم الدراية، ج ۱، ص ۳۸۸.

۹. بحوث في مبانی علم الرجال، ج ۱، ص ۱۸۲: نظرية الطبقات: هو تحوی معرفة طبقة الراوی، عن طریق الراوی و المروى عنه، و من ثم یشخص الفترة الزمنية التي بدء بتحمّل الرواية، كما یشخص بذلك فترة بروزه كنجم في سماء الرواية و التحديث و انتهاء إلى آخر فترة عاش فيها الراوی، و بتشخیص ذلك ینجم منه معرفة عدّة جهات في شخصیة الراوی.

دوم: در اختیار قراردادن قرینه‌هایی در راستای تعیین طبقه راوی،^{۱۲} فراتر از ارتباط با معصومان علیهم‌السلام است که نمود بارز آن، در رجال کشی و رجال نجاشی مشاهده می‌شود.

سوم: بیان طبقه بر اساس ذکر استادان و شاگردان راوی است که پایه‌گذار آن، مرحوم محمد بن علی اردبیلی (م ۱۱۰۱ق) در کتاب «جامع الرواة و إزاحة الاشتباهات عن الطرق و الإسناد» می‌باشد. آیت‌الله خویی (م ۱۴۱۳ق) در کتاب «معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة» به تکمیل این شیوه پرداخته است.

چهارم: بیان طبقه راویان بر پایه شماره‌گذاری است. نقطه آغازین این روش، توسط مجلسی اول (م ۱۰۷۰ق) گذاشته شد.^{۱۳} وی با کنار هم نهادن راویان و محدثان نام‌آشنای هر دوره به دوازده طبقه از راویان دست یافته است.

بعد از ایشان، سید علی اصغر جابلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ق) در کتاب «طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال»^{۱۴} به تکمیل این شیوه همت گمارد. البته مرحوم آیت‌الله بروجردی (م ۱۳۴۰ش) با توجه به اشکالاتی که وجود داشت، منهج جدیدی را در این شیوه پایه‌گذاری کرد^{۱۵} که برخی از معاصران نقدهایی را متوجه این روش دانسته‌اند.^{۱۶}

گفتنی است که شناخت طبقه یک راوی می‌تواند نقش چشمگیری در موضوعات پیرا حدیثی ایفا کند. از جمله می‌توان به تشخیص و پی‌بردن به سقط و افتادگی در سند، کشف تصحیفات و تحریفات، تشخیص قلب در سند (جابه‌جایی نام راوی)، تشخیص هویت واقعی راویان همانم در

۱۰. شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) دارای کتاب رجالی، تحت عنوان المصابیح بود. این کتاب، پانزده «مصباح» داشت که فهرست اسامی راویان از هر یک از معصومان علیهم‌السلام، ذیل یک «مصباح» آمده بود. در مصباح پانزدهم نیز فهرست اسامی اشخاصی که دارای توقیع بودند، وجود داشت. (رجال النجاشی، ص ۳۹۰، ش ۱۰۴۹)

۱۱. ناگفته نماند که گاهی در منابع طبقات‌نگاری شاهد توثیق و تضعیف راویان نیز هستیم. نمونه گویای این رفتار را در رجال شیخ طوسی می‌توان مشاهده کرد.

۱۲. در این شیوه برای شناسایی طبقه راوی از چهار راهکار استفاده می‌شود: تعیین روایت راوی از معصوم خاص، اشاره به شاگرد راوی مورد نظر، ذکر تاریخ ولادت و وفات (در حد امکان) و ذکر نسب کامل راوی تا جایی که شناخت عصر حیات راوی قابل تخمین باشد.

۱۳. روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۳۲۳.

۱۴. مؤلف، طبقات رجال حدیث را به ۳۱ طبقه تقسیم کرده است؛ به این ترتیب که در طبقه اول، رجال زمان حیات خود را معرفی کرده و سپس به ترتیب، رجال طبقه‌های بعدی تا طبقه سی‌ویکم (که شامل صحابیان رسول خداست) را ذکر می‌کند. (طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۳)

۱۵. اطلالة علی الرجال و الحدیث، ص ۲۶.

۱۶. ن. ک: درس گفتارهای رجال استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی، جلسه ۲۶.

أسناد، تعیین دقیق نام معصوم، کشف مذهب راوی، شناخت دقیق تر تعاملات حوزه‌های حدیثی، بازسازی أسناد تعلیقی و عطفی اشاره کرد.^{۱۷}

۲. پیشینه بحث از طبقه روایی محمد بن عیسی بن عبید

شاید نخستین خاستگاه گفت‌وگو پیرامون طبقه محمد بن عیسی بن عبید، عبارت نصر بن صباح - از مشایخ کَشی - باشد که به کتاب رجال کَشی راه یافته است. نصر بن صباح در این گزارش، طبقه محمد بن عیسی را می‌شناساند:

قَالَ نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ، مِنْ صِغَارِ مَنْ يَرُورَى عَنِ

ابن محبوبٍ فِي السَّنِّ.^{۱۸}

اما گزارش نجاشی از سخن نصر بن صباح بدین گونه است:

قَالَ ابُو عَمْرٍو الكَشِي: نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ يَقُولُ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ بِنِ

يَقْطِينِ اصْعَرُ فِي السَّنِّ أَنَّ يَرُورَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ.^{۱۹}

صرف نظر از اختلاف نسخه رجال نجاشی با نسخه کَشی که امروزه در اختیار داریم، در کنار هم نهادن این دو گزارش، عامل تردید جدی در شناخت طبقه محمد بن عیسی شده است.

افزون بر دو عامل پیش‌گفته، رویکرد عملی «محمد بن حسن بن احمد» معروف به ابن‌ولید قمی (م ۳۴۳ق) در تعامل با احادیث محمد بن عیسی نیز قابل توجه است. وی احادیث منفرد او را از کتاب‌ها و احادیث یونس بن عبدالرحمن استثناء کرده است.^{۲۰} به نظر می‌رسد برخی از دانشیان رجال و فقیهان بر این باور بوده و چنین برداشت کرده‌اند که استثنای ابن‌ولید به دلیل ابهام در طبقه محمد بن عیسی بوده است؛ بدین بیان که وی با توجه به خردسال بودن، امکان عملی نقل از

۱۷. درباره فوائد طبقه‌شناختی، ن.ک: وصول الاخیار، ص ۱۶۱؛ علم طبقات المحدثین اهميته و فوائده، ص ۷۱ تا

۱۱۹؛ اطلالة على الرجال و الحديث، ص ۷ و ۸؛ مقاله الطبقات و اثرها فی الحديث الشريف، حسن کریم ماجد

الربيعی، مجله علوم الحديث، العدد ۲۳، محرم و جمادی الآخرة ۱۴۲۹، ص ۳۲.

۱۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۱.

۱۹. رجال النجاشی، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶.

۲۰. رجال النجاشی، ص ۳۴۸، ش ۹۳۹؛ و کان محمد بن الحسن بن الولید یستثنی من روایة محمد بن احمد بن

یحیی ما رواه... عن محمد بن عیسی بن عبید باسناد منقطع؛ و ص ۳۳۳، ش ۸۹۶؛ و ذکر ابو جعفر بن بابویه عن

ابن الولید انه قال: ما تفرد به محمد بن عیسی من کتب یونس و حدیثه لا یعتمد علیه؛ فهرست کتب الشیعة،

ص ۵۱۲، ش ۸۱۳؛ و قال محمد بن علی بن الحسین: سمعت محمد بن الحسن بن الولید رحمه الله یقول: کتب

یونس الّتی هی بالروایات کُلّها صحیحه یعتمد علیها الا ما ینفرد به محمد بن عیسی بن عبید و لم یروه غیره، فانه

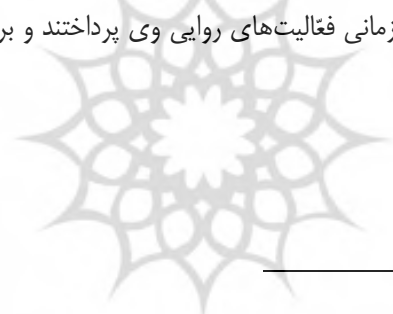
لا یعتمد علیه و لا یفتی به؛ و ص ۴۰۲، ش ۶۱۲؛ محمد بن عیسی بن عبید الیقطنی، ضعیف، استثناء ابو جعفر

ابن بابویه من رجال نوادر الحکمة و قال: لا اروی ما یختص بروایته.

یونس بن عبدالرحمان را بدون واسطه ندارد. برخی از دانشمندان مانند ابن داوود^{۲۱} (زنده در ۷۰۷ق)، مجلسی اول^{۲۲} (م ۱۰۷۰ق)، میرزا ابوالقاسم نراقی^{۲۳} (م ۱۳۱۹ق)، مامقانی^{۲۴} (م ۱۳۵۱ق) و سید کاظم حایری^{۲۵} دلیل استثنای ابن ولید را همان سخن نصر بن صباح شمرده‌اند. به‌عنوان نمونه، ابن داوود در فرازی از سخن خویش چنین می‌گوید:

أقول: لا يستلزم عدم الاعتدال على ما تفرد به محمد بن عيسى عن يونس،
الطعن في محمد بن عيسى؛ لجواز أن يكون العلة في ذلك أمر آخر كصغر السن
المقتضى للواسطة بينهما؛ فلا تنافي بين قول ابن بابويه وقول من عداه.^{۲۶}

گفت‌وگو درباره طبقه محمد بن عیسی از قرن سوم، پیوسته - ولی نه به‌شکل مستقل - مورد توجه دانشیان و پژوهش‌گران قرار گرفته است. برخی همانند محمد اسماعیل خواجویی^{۲۷} (م ۱۱۷۳ق)، شیخ عبدالنبی کاظمی^{۲۸} (م ۱۲۵۰ق)، سید محمدباقر شفتی^{۲۹} (م ۱۲۶۰ق)، میرزا حسین نوری^{۳۰} (م ۱۳۲۰ق)، محمدحسن مازندرانی^{۳۱} (م ۱۳۴۵ق)، شیخ عبدالله مامقانی^{۳۲} (م ۱۳۵۱ق)، آیت‌الله خویی^{۳۳} (م ۱۴۱۳ق) و سید محمدرضا سیستانی^{۳۴} با نگاشتن رساله مستقل یا اختصاص دادن مدخل ویژه به ترسیم محدوده زمانی فعالیت‌های روایی وی پرداختند و برخی دیگر مانند نوه شهید



۲۱. الرجال، ص ۵۰۹، ش ۴۵۹.

۲۲. روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۴، ص ۵۴.

۲۳. شعب المقال فی درجات الرجال، ص ۲۱۷.

۲۴. تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، ج ۳، ص ۱۶۹.

۲۵. مباحث الاصول، القسم الثانی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۲۶. الرجال، ص ۵۰۹، ش ۴۵۹.

۲۷. الفوائد الرجالیة، ص ۸۶ تا ۸۹.

۲۸. تکملة الرجال، ج ۲، ص ۴۴۹ تا ۴۶۶.

۲۹. الرسائل الرجالیة، ص ۶۴۰ تا ۶۶۶.

۳۰. مستدرک الوسائل، الخاتمة، ج ۴، ص ۱۳۷ تا ۱۵۱.

۳۱. نتیجه المقال فی علم الرجال، ص ۵۹۳ تا ۶۰۴.

۳۲. تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، ج ۳، ص ۱۶۷ تا ۱۷۰.

۳۳. معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۱۱۹ تا ۱۲۶.

۳۴. قیسات من علم الرجال، ص ۴۶۹ تا ۵۱۷.

ثانی^{۳۵} (م ۱۰۳۰ق) و شیخ محمد هادی مازندرانی^{۳۶} (م ۱۱۲۰ق) با مطرح کردن این موضوع در میان نوشته‌های فقهی و حدیثی خود به‌گونه مفصل به آن توجه کردند.^{۳۷}

بزرگان شیعه با توجه به شرایط زمان خود، زمینه‌های تحقیقات رجالی را به بهترین وجه، امکان‌پذیر کردند. باید اذعان داشت که بدون آن گنجینه‌های گران‌بها، هیچ تحقیق سودمند و باثمری انجام‌پذیر نیست. اما با نظر داشت این واقعیت که ابهام در طبقه محمد بن عیسی بن عبید، گستره وسیعی از احادیث را که بیان‌گر ارتباط حدیثی وی با امام رضا علیه السلام، حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمان می‌باشد، در بر گرفته است و چه‌بسا به نادرستی این مجموعه بینجامد، به همین منظور هنوز پرونده علمی بحث شناخت طبقه محمد بن عیسی گشوده و قابل پیگیری است.

۳. راهکارهای نوین پژوهش حاضر در تعیین طبقه راوی

پژوهش حاضر با هدف برطرف کردن چالش در تعیین طبقه راوی، به سه راهکار نوین در گردآوری قرینه‌ها روی آورده است^{۳۸} که می‌توان از آن به‌عنوان الگو برای راویان دیگر بهره برد:

۱/۳. شأنیت راوی جهت مخاطب واقع شدن با امام علیه السلام یا مشایخ

گفت‌وگویی علمی میان راوی با امام یا مشایخ خود، بدین معناست که وی از جهت سن و رشد علمی در حد قابل قبولی قرار دارد که از یک سو شأنیت مخاطب واقع شدن را دارا بوده و از سوی دیگر گزارش ملاقات خود به‌همراه دقیق‌ترین داده‌های داد و ستد شده را به نسل‌های پسین انتقال می‌دهد. باید توجه داشت که در این موضوع، فاصله سنی میان دو نفر قابل طرح نیست. این دست از قرینه‌ها در بین احادیث راوی، به شناخت و تحدید طبقه او کمک شایانی می‌کند.

۲/۳. بررسی عبارة السند در تعاملات حدیثی راوی با امام علیه السلام یا مشایخ

در بحث‌های پیراسندی، با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که در مقام معرفی راوی، بیان حالات راویان و چگونگی دریافت حدیث سخن می‌گویند. راویان، افرادی هستند که تحمّل حدیث توسط آنها صورت می‌پذیرد و در دانش رجال از حالات، طبقه، توثیق و تضعیف ایشان سخن به میان می‌آید. در میان سند، افعال یا حروف یا ترکیب‌هایی از فعل و حرف مانند «قال: حدّثنی» و «قال:

۳۵. استقصاء الاعتبار، ج ۱، ص ۷۶ تا ۸۴.

۳۶. شرح فروع الکافی، ج ۱، ص ۶۱ تا ۷۵.

۳۷. به‌زودی مقاله‌ای با عنوان: پارادایم حاکم بر شکل‌گیری نظرات پیرامون محمد بن عیسی بن عبید در اندیشه فقیهان شیعه؛ از سوی نگارندگان انتشار خواهد یافت که به‌تفصیل به بازخوانی دیدگاه‌های فقها پرداخته است.

۳۸. بن‌مایه این بحث از درس‌گفتارهای پراکنده استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی در اوائل دهه هفتاد گرفته شده است.

أَخْبَرْتِي»، «عَنْ»، «قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى» وجود دارد که نه تنها پیونددهنده نام راویان به هم هستند، بلکه بیان‌گر کیفیت تحمّل روایت می‌باشند و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند. از این واژگان با عنوان «تعبیر واسطه» یاد می‌شود.

تعبیر واسطه را می‌توان از زاویه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. معیار تقسیم‌بندی در این پژوهش، چگونگی ارتباط راوی با معصوم یا استاد خویش از منظر نقل روایت مستقیم و غیر مستقیم است. از همین منظر می‌توان این رابطه را به سه دسته تقسیم کرد:

یکم. الفاظی که به صراحت دلالت بر حضور راوی در نزد امام یا استاد خود می‌کند؛ مانند:

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِيْنٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ...^{۳۹}

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام...^{۴۰}

دوم. الفاظی که بر حضور راوی نزد امام یا استاد ظهور دارد؛ مانند:

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِيْنٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ...^{۴۱}

رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام...^{۴۲}

سوم. تعبیر واسطه‌ای که بر روایت مستقیم، صراحت و ظهور ندارد؛ مانند:

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِيْنٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام...^{۴۳}

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ...^{۴۴}

گفتنی است که در شناخت طبقه راوی و میزان روایت او از امام یا استاد، در گام نخستین باید به تعبیر واسطه‌ای که صراحت داشته یا نشان‌گر روایت مستقیم است، توجه شود. در گام بعدی با درنگ در تعبیرهای صریح، به تفسیر دیگر واژه‌ها و عبارات پرداخته می‌شود.^{۴۵}

۳۹. الکافی، ج ۱، ص ۸۲، ح ۴۹.

۴۰. الکافی، ج ۵، ص ۳۶۶، ح ۲.

۴۱. الکافی، ج ۱، ص ۷۱، ح ۱۱۶.

۴۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۶۲۰.

۴۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۹.

۴۴. الکافی، ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۴.

۴۵. برای توضیح بیشتر درباره تعبیرهای واسطه، ن.ک: مقاله نقش تعبیر واسطه در معجم رجال، مجله ره‌آورد نور، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۸ و شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۸.

۱. تخمین دوره زندگی محمد بن عیسی بن عبید (ولادت و وفات)

از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناخت طبقه، تحدید و ترسیم بازه زمانی حیات راوی است. در زمینه ولادت و وفات محمد بن عیسی، اطلاعات کافی در منابع اعتبارسنجی شیعه وجود ندارد. به همین منظور در این پژوهش با یافتن قرینه‌ها و تحلیل آنها به گمانه‌ای در بیان بازه زمانی حیات وی - تاریخ ولادت و وفات - دست یافته‌ایم.

۱/۱. گمانه تاریخ ولادت محمد بن عیسی

هیچ‌یک از منابع رجالی و تراجم، به تاریخ ولادت محمد بن عیسی اشاره نکرده‌اند؛ اما با چینش قرینه‌های اثرگذار زیر به‌همراه تحلیل و تبیینی که پس از آن خواهد آمد، محدوده ولادت این راوی والامقام، نمود روشنی می‌یابد.

قرینه اول: عبدالله بن جعفر حمیری از قول محمد بن عیسی نقل می‌کند که در سال ۱۹۸ هجری قمری در مکه از ابراهیم بن عبدالحمید تحمّل حدیث کرده است.^{۴۸}

قرینه دوم: همو گزارش کرده است که محمد بن عیسی در سال ۱۹۸ هجری قمری به فراگیری حدیث از عبدالله بن میمون قذاح پرداخته است.^{۴۹}

قرینه سوم: گزارش دیگری از عبدالله بن جعفر حمیری در دست است که بیان‌گر تحمّل حدیث از سوی محمد بن عیسی در سال ۲۰۱ هجری قمری از عبدالله بن ابراهیم بن ابی عمرو غفاری می‌باشد.^{۵۰} این ارتباط روایی در فهرست شیخ طوسی به‌گونه زیر آشکار شده است:

عبدالله [بن ابراهیم]: عبدالله بن ابراهیم الغفاری؛ له کتاب. أخبرنا المذکوران

عن محمد بن علی بن الحسین عن آبیهِ وَ مُحَمَّدِ ابْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ

الصَّفَّارِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ.^{۵۱}

قرینه چهارم: محمد بن عیسی در سال ۲۰۳ هجری قمری گزارش‌گر پاسخی است که امام علیه السلام به نامه امّ ولد عیسی بن علی بن یقطین به نام خُشْف - که درباره مسأله‌های فقهی مرتبط با ازدواج دخترش پرسیده بود - فرمودند.^{۵۲}

۴۸. قرب الاسناد، ص ۱۵، ش ۴۶.

۴۹. قرب الاسناد، ص ۲۰، ش ۶۷.

۵۰. الاصول الستة عشر، ص ۱۲۲.

۵۱. فهرست کتب الشیعة، ص ۲۹۲، ش ۴۳۶. لازم به ذکر است که این سند را با رفع تعلیق و تصریح به ضمائر آن

آوردیم.

تحلیل و تبیین:

یکی از عوامل تأثیرگذار در شناخت بازه زمانی فعالیت حدیثی راوی، شروع تحمّل حدیث اوست. سوگوارانه باید گفت که در منابع شیعی به این مهم، جز اندکی پرداخته نشده است. اما پیگیری این بحث در نگاشته‌های درایه‌ای عامّه به تفصیل مشاهده می‌شود. منابع دانش درایه در میان عامّه، ملاک‌های سنی مختلفی را جهت آغاز تحمّل حدیث از پنج سال^{۵۳} به بالا پیشنهاد کرده‌اند. اهل کوفه نظر خود را بر پایه ۲۰ سالگی و اهل شام بر ۳۰ سالگی قرار دادند.^{۵۴} اما تعیین سن با روش‌های پیش‌گفته، مورد قبول همه دانشیان علوم حدیث واقع نشده است.^{۵۵} از نظر آنان، برخورداری از قوه تمییز، بهترین ملاک شروع تحمّل است. این قوه برای اشخاص گوناگون به دلیل تفاوت سطح ادراک‌ها و استعدادها مختلف می‌باشد. منظور از قوه تمییز آن است که راوی، متوجه خطاب شده و واکنش لازم را در مقام تحمّل حدیث انجام دهد^{۵۶} و یا بتواند بین حدیث و غیر حدیث تمایز قائل شود.^{۵۷}

با توجه به این معیارها به روشنی آشکار است که محمد بن عیسی بن عبید از سال ۱۹۸ هجری قمری از شأنیت نشستن با دانشمندان و مورد خطاب قرار گرفتن در گفت‌وگوهای علمی برخوردار بوده است.

بنا بر آنچه گذشت، یکی از عناصر مهم برای تخمین ولادت راوی، تعیین محدوده سن برای آغاز تحمّل حدیث در بستر فرهنگی شیعی است. به گاه رجوع به ترجمه علی بن حسن بن فضال در کتاب نجاشی با پدیده مهمی روبه‌رو می‌شویم. او از تحدیث بسیاری از احادیثی که از پدر

۵۲. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۵۶، ش ۱۸۲۶: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ خِشْفٌ أُمَّ وَوَلَدِ عَيْسَى بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ فِي سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ مِئَتَيْنِ تَسْأَلُ عَنْ تَزْوِجِ ابْنَتِهَا مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ أَحْبْرُكٍ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَى...

۵۳. الاملاء، ص ۶۲. برخی از عامه همچون قاضی عیاض با استناد به حدیث محمود بن ربیع، آغاز تحمّل حدیث را از پنج سالگی می‌دانند: عَنْ مَحْمُودِ بْنِ الرَّبِيعِ، قَالَ: «عَقَلْتُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مَجَّةً مَجَّهَا فِي وَجْهِي وَ أَنَا ابْنُ خَمْسٍ بِنِينَ مِنْ دَلْوٍ». (صحيح البخارى، ج ۱، ص ۳۶)

۵۴. معرفة انواع علوم الحدیث، ص ۱۲۹: فَقَالَ: كَانَ أَهْلُ الْكُوفَةِ لَا يُخْرِجُونَ أَوْلَادَهُمْ فِي طَلَبِ الْحَدِيثِ صِغَارًا حَتَّى يَسْتَكْمِلُوا عَشْرِينَ سَنَةً. وَ قَالَ مُوسَى بْنُ هَارُونَ: أَهْلُ الْبَصْرَةِ يَكْتُبُونَ لِعَشْرِ سِنِينَ، وَ أَهْلُ الْكُوفَةِ لِعَشْرِينَ، وَ أَهْلُ الشَّامِ لِثَلَاثِينَ.

۵۵. منهج النقد في علوم الحدیث، ص ۲۱۱: تدریب الراوی، ج ۱، ص ۴۱۶.

۵۶. التقريب و التيسير، ص ۵۴.

۵۷. الرعاية في علم الدراية، ص ۲۱۷.

خویش شنیده و تحمل کرده است، خودداری می‌کند. دلیل این امر از زبان وی چنین نقل شده است:

در سن ۱۸ سالگی کتاب‌های پدرم را تحمل کرده‌ام، اما چون ادراکی نسبت به آن‌ها در این سن نداشته‌ام، جایز نیست که از جانب پدرم نقل روایت کنم.^{۵۸} اگر بر پایه این سخن، شروع تحمل حدیث را بین ۲۰ تا ۲۵ سالگی فرض کنیم، می‌توان ولادت محمد بن عیسی را میان سال‌های ۱۷۳ تا ۱۷۸ هجری قمری دانست.^{۵۹}

۲/۱. گمانه تاریخ وفات محمد بن عیسی بن عبید

نگارندگان در هیچ‌یک از منابع مکتوب به سال وفات محمد بن عیسی برخورد نداشته‌اند؛^{۶۰} اما با بررسی دو قرینه زیر می‌توان به گمانه تاریخ وفات وی دست یافت.

قرینه نخست: بررسی در منابع اعتبارسنجی و حدیثی: کثی به گاه سخن از وفات فضل بن شاذان، گزارش زیر را از محمد بن ابراهیم سمرقندی آورده است:

خَرَجْتُ إِلَى الْحَجِّ، فَأَرَدْتُ أَنْ أَمُرَّ عَلَى رَجُلٍ كَانَ مِنْ أَصْحَابِنَا مَعْرُوفٌ بِالصِّدْقِ وَالصَّلَاحِ وَالْوَرَعِ وَالْحَيْرِ، يُقَالُ لَهُ بُوْرُقُ الْبُوسَنَجَانِيُّ، قَرِيبٌ مِنْ قُرَى هَرَاةَ، وَ أَزُورُهُ وَ أُحَدِّثُ عَهْدِي بِهِ. قَالَ: فَآتَيْتُهُ، فَجَرَى ذِكْرُ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ رَحِمَهُ اللَّهُ، فَقَالَ بُوْرُقٌ: كَانَ الْفَضْلُ بِهِ بَطْنٌ شَدِيدُ الْعِلَّةِ، وَ يَخْتَلِفُ فِي اللَّيْلَةِ مِئَةَ مَرَّةٍ إِلَى مِئَةِ وَ خَمْسِينَ مَرَّةً. فَقَالَ لَهُ بُوْرُقٌ: خَرَجْتُ حَاجًّا فَآتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى الْعُبَيْدِيِّ، وَ رَأَيْتُهُ سَبِيحًا فَاضِلًا فِي أَنْفِهِ عِوَجٌ وَ هُوَ الْقَنَا، وَ مَعَهُ عِدَّةٌ رَأَيْتُهُمْ مُعْتَمِرِينَ مَحْزُونِينَ، فَقُلْتُ هُمْ: مَا لَكُمْ؟ قَالُوا: إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام قَدْ حُجِسَ. قَالَ بُوْرُقٌ: فَحَجَجْتُ وَ رَجَعْتُ، ثُمَّ آتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عِيْسَى، وَ وَجَدْتُهُ قَدْ انْجَلَى عَنْهُ مَا كُنْتُ رَأَيْتُ بِهِ، فَقُلْتُ: مَا الْحَبْرُ؟ قَالَ: قَدْ خُلِيَ عَنْهُ. قَالَ بُوْرُقٌ: فَخَرَجْتُ إِلَى سَرِّ

۵۸. رجال النجاشي، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶: و لم يرو عن ابيه شيئا و قال: كنت اقبله و سئى ثمان عشرة سنة بكتبه و لا افهم اذ ذلك الروايات و لا استحل ان ارويها عنه.

۵۹. مرحوم مامقانی با اشاره به بعضی از قرآن، سال ولادت محمد بن عیسی را سال ۱۸۰ ق و یا قبل از آن، تخمین زده است: فالامارات المذكورة تشهد بولادة محمد بن عیسی فی حدود المئة و ثمانین فما قبلها. (تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۱۶۹)

۶۰. با جست‌وجوی واژگانی مانند «مات»، «سنة» و «توفی» در اصول شش‌گانه رجال شیعه تنها با بازتاب کمی بیش از دویست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان مواجه هستیم.

مَنْ رَأَى وَ مَعِيَ كِتَابُ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ أَرَيْتُهُ ذَلِكَ الْكِتَابَ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَنْظُرَ فِيهِ! فَلَمَّا نَظَرَ فِيهِ وَ تَصَفَّحَهُ وَرَقَةً وَرَقَةً وَ قَالَ: هَذَا صَحِيحٌ يَنْبَغِي أَنْ يُعْمَلَ بِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ شَدِيدُ الْعَلَّةِ، وَ يَقُولُونَ: إِنَّهَا مِنْ دَعْوَتِكَ بِمَوْجِدَتِكَ عَلَيْهِ لِمَا ذَكَرُوا عَنْهُ: أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ وَصِيَّ إِبْرَاهِيمَ خَيْرٌ مِنْ وَصِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ لَمْ يَقُلْ، جُعِلْتُ فِدَاكَ هَكَذَا كَذَبُوا عَلَيْهِ. فَقَالَ: نَعَمْ رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ. قَالَ بَورُقٌ: فَرَجَعْتُ فَوَجَدْتُ الْفَضْلَ قَدْ تُوِّفَى فِي الْإَيَّامِ الَّتِي قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ الْفَضْلَ.^{٦١}

از گزارش پیش رو به روشنی برداشت می‌شود که محمد بن عیسی بن عبید تا زمان رحلت فضل بن شاذان در قید حیات بوده است. کشتی در گزارش دیگری، این زمان را سال ۲۶۰ هجری خاطر نشان کرده است.^{٦٢}

قرینه دوم: درنگ در سال وفات اساتید و شاگردان: بررسی گزارش‌هایی که سال وفات بعضی از اساتید و شاگردان محمد بن عیسی بن عبید را در خود جای داده است، می‌تواند به‌عنوان قرینه و شاهد برای گمانه‌زنی سال وفات وی باشد.

سال وفات	نام شاگردان	محمد بن عیسی بن عبید القبطینی	سال وفات	نام اساتید
۲۷۴ یا ۶۴۲۸۰	احمد بن محمد بن خالد		۶۳۰۳	یونس بن عبد الرحمن
۶۶۲۹۰	محمد بن حسن صفار		۶۵۲۰۹	حماد بن عیسی الجهنی
زنده در ۶۸۲۹۳	عبدالله بن جعفر الحمیری		۶۷۲۱۰	صفوان بن یحیی البجلی

٦١. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۳.

٦٢. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۳، ش ۱۰۲۸: وَ كَانَ هَذَا التَّوْفِيعُ بَعْدَ مَوْتِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ بِشَهْرَيْنِ فِي سَنَةِ بَسْتَيْنَ، وَ مِثْلَيْنِ.

٦٣. در صفحات بعد به بررسی قرائن گوناگون پیرامون سال وفات یونس بن عبد الرحمن پرداخته خواهد شد.

٦٤. رجال النجاشی، ص ۷۷، ش ۱۸۲.

٦٥. اختیار معرفة الرجال، ص ۳۱۷، ش ۵۷۲: عَاشَ إِلَى وَقْتِ الرِّضَاءِ عليه السلام وَ تُوِّفَى سَنَةَ تِسْعٍ وَ مِثْلَيْنِ.

٦٦. رجال النجاشی، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

٦٧. رجال النجاشی، ص ۱۹۸، ش ۵۲۴.

٦٨. رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳: قَدِمَ الْكُوفَةَ سَنَةَ نِيفٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِثْلَيْنِ.

۷۰۳۰۱	سعد بن عبدالله القمی	۶۹۳۱۷	محمد بن ابی عمیر زیاد
زنده در ۷۲۳۰۷	علی بن ابراهیم	۷۱۲۲۰	محمد بن سنان الزاهری
		۷۳۲۲۱	احمد بن محمد بن ابی نصر البنظی
		۷۴۲۲۴	حسن بن محبوب

برون داد جدول پیش رو این است که محدوده رحلت اساتید محمد بن عیسی بن عبید بین سال‌های ۲۰۸ تا ۲۲۴ قرار داشته و محدوده وفات شاگردان وی بین سال‌های ۲۷۴ تا ۳۰۷ می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه به میانگین سال وفات در این جدول و پیوست گزارش کشی می‌توان بین سال ۲۶۰ تا ۲۶۵ را برای وفات محمد بن عیسی بن عبید در نظر گرفت. تأمل در سال وفات راویان هم‌عصر و هم‌طبقه وی، بر درستی این انگاره تأکید می‌ورزد:

سال وفات	نام راویان هم‌طبقه
زنده در ۷۰۳۵۵	سهل بن زیاد الآدمی
۷۶۲۶۰	احمد بن الحسن بن علی بن الفضال
۷۷۲۶۰	فضل بن شاذان
۷۸۲۶۲	محمد بن الحسین بن ابی الخطاب

۶۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۳.

۷۰. رجال النجاشی، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷؛ توفی سعد رحمه الله سنة احدى و ثلاثمئة، و قيل: سنة تسع و تسعين و مئتين.

۷۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۸، ش ۸۸۸.

۷۲. اطلاع دقیقی از تاریخ وفات علی بن ابراهیم قمی در دسترس نیست؛ اما بر پایه روایاتی که شیخ صدوق از وی در کتاب‌های مختلف خویش از جمله «الامالی» نقل کرده است، چنین استفاده می‌شود که علی بن ابراهیم تا سال ۳۰۷ قمری زنده بوده است. ن.ک: الامالی للصدوق، ص ۶۱، ح ۱۱: حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ... قَالَ: أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِئَةٍ...

۷۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۳.

۷۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۳.

۷۵. رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰؛ و قد كاتب ابا محمد العسكري عليه السلام علي يد محمد بن عبد الحميد العطار للنصف من شهر ربيع الآخر سنة خمس و خمسين و مئتين.

۷۶. رجال النجاشی، ص ۸۲، ش ۱۹۴.

۷۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۴۳، ش ۱۰۲۸.

۷۹۲۶۳	حسین بن محمد بن سماعة
حدود ۸۰۲۶۵	ابراهیم بن هاشم
۸۱۲۶۷	احمد بن هلال العبرتائی

با قرائن پیش گفته، می‌توان سنّ محمد بن عیسی بن عبید را بین ۸۲ تا ۹۲ سال تخمین زد.

۲. تحمّل حدیث محمد بن عیسی بن عبید از امامان شیعه علیهم‌السلام

رجوع به منابع رجال شیعه (برقی، نجاشی و شیخ طوسی) نمایان‌گر آن است که محمد بن عیسی بن عبید چهار امام را درک کرده و از ایشان روایت نموده است.

۱/۲. امام رضا علیه‌السلام

امام علی بن موسی بن جعفر الرضا علیه‌السلام در سال ۱۸۳ هجری به نصب الهی، امامت امت را بر عهده گرفته و تا سال ۲۰۳ هجری - به مدت بیست سال - در این جایگاه قرار داشتند.

شیخ طوسی به گاه یادکرد از محمد بن عیسی بن عبید در کتاب رجال، وی را در طبقه اصحاب امام رضا علیه‌السلام قرار داده است. شاید چنین به نظر رسد که سخن کشی و نجاشی ^{۸۳} به نقل از نصر بن صباح - که به گونه‌ای ارتباط میان محمد بن عیسی و حسن بن محبوب را زیر سؤال می‌برد - با سخن شیخ طوسی ناسازگار باشد؛ بدین معنا که کوچکی سنّ وی هنگام ارتباط با حسن محبوب - از اصحاب امام رضا علیه‌السلام - مانع می‌شود که او بتواند با امام رضا علیه‌السلام ارتباط روایی گرفته و از ایشان تحمّل حدیث داشته باشد.

با واکاوی و جست‌وجو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان قرینه‌های زیر را در نادرستی این چالش، فراز آورد:

۷۸. رجال النجاشی، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷.

۷۹. فهرست کتب الشیعة، ص ۱۳۴، ش ۱۹۳.

۸۰. شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۱۹ شهادت امام هادی علیه‌السلام را به نقل از ابراهیم بن هاشم در سال ۲۵۴ هجری گزارش کرده که بیان‌گر زنده‌بودن ابراهیم تا آن سال می‌باشد؛ اما در کتاب «ابراهیم بن هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت» با تحلیل قرائن گوناگون، گمانه سال ۲۶۵ هجری به عنوان سال وفات او پذیرفته شده است.

۸۱. رجال النجاشی، ص ۸۳، ش ۱۹۹.

۸۲. رجال الطوسی، ص ۳۶۷، ش ۵۴۶۴.

۸۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۳.

۳. قرینه نخست: شأنیت مورد خطاب امام رضا علیه السلام واقع شدن

گزارش اول: عبدالله بن جعفر حمیری از محمد بن عیسی بن عبید نقل می‌کند:

أَتَيْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بَابَ الرِّضَاءِ علیه السلام وَ بِالْبَابِ قَوْمٌ قَدْ اسْتَأْذَنُوا عَلَيْهِ قَبْلَنَا، وَ اسْتَأْذَنَّا بَعْدَهُمْ، وَ خَرَجَ الْإِذْنُ فَقَالَ: ادْخُلُوا وَ يَتَخَلَّفُ يُونُسُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ آلِ يَقْطِينٍ. فَدَخَلَ الْقَوْمُ وَ تَخَلَّفْنَا، فَمَا لَبِثُوا أَنْ خَرَجُوا وَ أَذِنَ لَنَا، فَدَخَلْنَا فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ ثُمَّ أَمَرْنَا بِالْجُلُوسِ، فَقَالَ لَهُ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: يَا سَيِّدِي، تَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ؟ فَقَالَ لَهُ: سَلْ.

محمد بن عیسی در ادامه به پنج پرسش یونس و پاسخ آنها توسط حضرت پرداخته است.^{۸۴}
درنگ در این گزارش، یافته‌های زیر را آشکار می‌کند:

- محمد بن عیسی در این گزارش با قیودی چون «غلام» یا «شاب» به محدوده عمر خویش اشاره نکرده است.

- فراز «يَتَخَلَّفُ يُونُسُ وَ مَنْ مَعَهُ مِنْ آلِ يَقْطِينٍ» که هیچ اشاره‌ای به محدوده سنی محمد بن عیسی ندارد، نشان‌گر برخورداری وی از سن قابل قبول است.

- فهم پرسش‌های بیابایی یونس و پاسخ‌های امام علیه السلام در مجلس حاضر و بیان دقیق تمام جزئیات آن، توان تحمل وی برای ادراک این مجموعه را نمایان می‌کند.

- بازگویی تفصیلی چنین گزارش‌هایی، به دست می‌دهد که محمد بن عیسی می‌تواند در زمره راویان امام رضا علیه السلام به شمار آید؛ بنابراین گمانه نقل و جاده‌ای وی از امام یا نظریه خردسال بودن او در هاله‌ای از ابهام و نادرستی قرار می‌گیرد.

گزارش دوم: محمد بن عیسی بن عبید گزارش کرده است:

بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاءُ علیه السلام رِزْمَ ثِيَابٍ وَ غِلْمَانًا وَ حَجَّجَهُ لِي وَ حَجَّجَهُ لِأَخِي مُوسَى بْنِ عُبَيْدٍ ^{۸۵} وَ حَجَّجَهُ لِيُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَأَمَرْنَا أَنْ نَحِجَّ عَنْهُ فَكَانَتْ بَيْنَنَا

۸۴. قرب الاسناد، ص ۳۴۵، ج ۱۲۵۳

۸۵. عبارت «لِأَخِي مُوسَى بْنِ عُبَيْدٍ» در متن گزارش با نام گزارش‌گر یعنی محمد بن عیسی بن عبید ناسازگار است. برای از میان برداشتن این تغایر، نظرات گوناگونی بیان شده است که در ادامه به بررسی آنها پرداخته خواهد شد:
احتمال نخست: محقق خوبی معتقد است که موسی برادر محمد بن عیسی می‌باشد و در این گزارش، نام پدر وی حذف شده و نوه به جد انتساب یافته است. (معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۷۰، ش ۱۲۸۵۵)

مِئَةَ دِينَارٍ أَثْلًا فِيهَا بَيْنَنَا فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أُعْبِيَ الثِّيَابَ رَأَيْتُ فِي أَعْصَابِ الثِّيَابِ طِينًا
فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ: مَا هَذَا فَقَالَ: لَيْسَ يُوجَهُ بِمَتَاعٍ إِلَّا جَعَلَ فِيهِ طِينًا مِنْ قَبْرِ

هیچ قرینه‌ای برای تأیید این نظر در دست نداریم. ممکن گفته شود که در رجال کشی، عبارت «خَرَجَ مُسَافِرًا قَدَعَانِي وَ مُوسَى وَ جَعْفَرَ بْنَ عَيْسَى وَ يُونُسَ...» (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۸، ش ۹۵۶) می‌تواند به عنوان مؤید مطلب محقق خوبی باشد. در پاسخ می‌گوییم: اول اینکه اگر موسی، برادر جعفر باشد، در گزارش حاضر باید به جای «بن عیسی» از تعبیر «ابنی عیسی» استفاده می‌شد. دوم اینکه در عنوان گزارش، کلمه «ما روی... موسی بن صالح» آمده است، در نتیجه واژه «موسی» در داخل گزارش، انصراف به موسی بن صالح دارد.

احتمال دوم: محقق شوشتری بر این باور است که در گزارش پیش رو عنوان محمد بن عیسی محرف از محمد بن عبید است. (قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۰۱ و ج ۱۰، ص ۲۹۳، ش ۷۸۴۹) ایشان مستند نظر خود را سند روایت هفتم «بَابُ فِي إِطْلَالِ الرُّؤْيَةِ» کتاب کافی قرار داده است: أَحْمَدُ بْنُ أُدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: ... (الكافي، ج ۱، ص ۹۶، ش ۳)

این احتمال به سه دلیل قابل پذیرش نیست. اول اینکه در صدر و ذیل روایت، نام محمد بن عیسی آورده شده است. چگونه می‌توان صدر روایت را تصحیف شده دانست و انتهای روایت عبارت «نَسَى مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى اسْمَهُ» را به حال خود واگذاشت؟ دوم اینکه روایت مورد استناد در کافی، توسط شیخ صدوق در کتاب التوحید، ص ۱۰۹، ش ۸ با نام «محمد بن عبیده» آورده شده که نشان از تصحیف سند مذکور در کتاب کافی است. سوم اینکه به گاه جست‌وجو در منابع حدیثی مختلف در می‌یابیم که در طریق مذکور، عنوان «محمد بن عبیده» واقع شده است. (ن: ک: التوحید، ص ۱۵۳، ح ۳؛ عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۱، ص ۱۲۰، ش ۱۳؛ قصص الانبياء^{علیهم السلام}، ص ۱۶۰، ح ۱۱۷۶)

احتمال سوم: برخی احتمال دادند که کلمه «لَاخِي»، تصحیف شده واژه «لَعَمِي» است. (النجعة فی شرح اللمعة، ج ۹، ص ۲۳۱)

شاید بتوان سند روایت در کتاب فرج المهموم، ص ۹۵ را به عنوان مؤید این احتمال بیان کرد؛ زیرا از نام «محمد بن موسی بن عبید بن یقطين» در سند استفاده شده است. اما این احتمال از پایه استواری جهت پذیرش برخوردار نیست.

احتمال چهارم: شاید بتوان احتمال داد که عبارت «عن ابيه» از سند افتاده است؛ یعنی سند روایت اینگونه بوده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ عَنْ أَبِيهِ.» دلیل این احتمال می‌تواند بیان نجاشی در طریق به کتاب نصر بن سوید باشد. (رجال النجاشی، ص ۴۲۷، ش ۱۱۴۷)

این دلیل قابل پذیرش نیست؛ زیرا به گاه رجوع به طریق شیخ صدوق به نصر بن سوید در مشیخه (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۵) و همچنین طریق شیخ طوسی (فهرست کتب الشیعة، ص ۴۸۱، ش ۷۷۲) متوجه می‌شویم که عبارت «عن ابيه» زائد بوده است. (قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۵۱۰)

احتمال پنجم: نویسندگان پژوهش حاضر بر این باورند که عبارت «موسی بن عبید» در حاشیه متن برخی نسخ، توسط دیگران نوشته شده و به مرور زمان در متن، درج گردیده است. گفتنی است که یکی از عوامل پیدایش تحریف در اسناد احادیث یا متون احادیث، راهیابی گزارش‌های تفصیلی و تبیینی موجود در حاشیه نسخه‌هاست که در گذر زمان و به دلیل ناآشنایی برخی نسخه‌نویسان، وارد متن اصلی شده و به عنوان جزئی از آن تلقی شده است. (برای مشاهده نمونه‌های آن، ن: ک: تعلیقات اسناد کتاب کافی، چاپ دارالحدیث، به قلم سید علیرضا حسینی شیرازی)

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ قَالَ الرَّسُولُ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَمْرٌ نَا بِالْمَالِ بِأَمْرٍ مِنْ صَلَّةِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قَوْمٍ مَحَاوِجٍ لَا يُؤْبَهُ لَهُمْ وَ أَمْرٌ بِدَفْعِ ثَلَاثِمِئَةِ دِينَارٍ إِلَى رُحْمِ امْرَأَةٍ كَانَتْ لَهُ وَ أَمْرٌ أَنْ أُطَلَّقَهَا عَنْهُ وَ أَمْتَعَهَا بِهَذَا الْمَالِ وَ أَمْرٌ أَنْ أُشْهَدَ عَلَى طَلَاقِهَا صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى وَ آخَرَ نَسَى مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى اسْمَهُ.^{۸۶}

در بررسی این گزارش، نکته‌های زیر نمایان می‌شود:

- محمد بن عیسی بن عبید از نظر سنی در جایگاهی قرار دارد که امام رضا علیه السلام وی را در کنار یونس و برادرش مورد خطاب قرار داده تا به‌عنوان نائب از جانب امام حج بگذارد و هر آنچه که برای یونس ارسال کردند، برای وی هم انجام دادند.
- شانیت وی به‌گونه‌ای است که حضرت به‌طور خاص او را مأمور می‌کنند تا با وکالت از ایشان، همسر امام را طلاق داده و مالی را به او پرداخت کند.

قرینه دوم: استفاده از عبارات السند در تعاملات حدیثی وی با امام رضا علیه السلام

همان‌گونه که پیش از این گذشت، تعبیر واسطه در تعیین طبقه راوی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. از الفاظ دو حدیث نخست زیر می‌توان استنباط کرد که محمد بن عیسی نه‌تنها در زمان امام رضا علیه السلام حضور داشته بلکه به‌گونه مستقیم از ایشان روایت کرده است؛ هرچند تعبیر واسطه حدیث سوم، به تنهایی ظهوری در این امر ندارد.

حدیث اول: تعبیر واسطه در روایت پیش رو به صراحت و آشکارا دلالت بر حضور محمد بن عیسی نزد امام رضا علیه السلام و روایت مستقیم از ایشان می‌کند:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ بَطَّةٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ إِذَا قِيلَ لَكَ آخِرُنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْءٌ هُوَ أَمْ لَا؟ قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: قَدْ أَثْبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَفْسَهُ شَيْئًا حَيْثُ يَقُولُ: «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ.» فَأَقُولُ إِنَّهُ شَيْءٌ لَا كَالْأَشْيَاءِ إِذْ فِي نَفِي الشَّيْئَةِ عَنْهُ إِبْطَالُهُ وَ نَفْيُهُ. قَالَ لِي: صَدَقْتَ وَ أَصَبْتَ. ثُمَّ قَالَ لِي الرَّضَاءُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۸۶. تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۴۰، ح ۱۲۱. هر چند گزارش کامل الزیارات ص ۲۷۸، ح ۱ در این میان وجود دارد که در آن، بین محمد بن عیسی و وجود مبارک امام رضا علیه السلام عبارت «عن رجل» واقع شده است؛ اما به دلیل اینکه متن گزارش ابن قولویه بر فرض یگانگی موضوع به گونه‌ای تقطیع شده تا جایگاه تربت مرقد امام حسین علیه السلام جلوه‌گر شود، نمی‌توان به اصالت آن، اطمینان کرد؛ بنابراین شاهد بودن گزارش تهذیب الاحکام از بین نمی‌رود.

لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةٌ مَذَاهِبٌ؛ نَفْيٌ وَ تَشْبِيهٌُ وَ إِثْبَاتٌ بَعِيرٌ تَشْبِيهِ. فَمَذَهَبُ
النَّفْيِ لَا يَجُوزُ وَ مَذَهَبُ التَّشْبِيهِ لَا يَجُوزُ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَشْبَهُهُ شَيْءٌ وَ
السَّبِيلُ فِي الطَّرِيقَةِ الثَّلَاثَةِ إِثْبَاتٌ بِلَا تَشْبِيهِ.^{۸۷}

حدیث دوم: تعبیر واسطه «عن» که در این روایت به کار رفته است، بر حضور راوی نزد امام علیه السلام ظهور دارد:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى^{۸۸} عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الرِّضَاءِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَطْعَمُوا مَرْضَاكُمُ السَّلْقَ يَعْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَ لَا دَاءَ مَعَهُ
وَ لَا غَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدَى نَوْمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ فَإِنَّهُ يَهْبِجُ السُّودَاءَ.^{۸۹}

حدیث سوم: ظاهر این حدیث، دلالت بر روایت مستقیم راوی از امام دارد؛ اما تعبیر واسطه به کار رفته در آن، نه صراحت در روایت مستقیم دارد و نه ظهور:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَمَّوِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقْطِينِيِّ قَالَ: قَالَ الرِّضَاءُ علیه السلام: فِي الدِّيَكِ
الْأَبْيَضِ حَمْسٌ خِصَالٌ مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام؛ مَعْرِفَتُهُ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ الْغَيْرَةِ وَ
السَّخَاءِ وَ الشَّجَاعَةِ وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ.^{۹۰}

قرینه سوم: راوی فعال در امر امامت امام رضا علیه السلام

بعد از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ هجری^{۹۱} با توجه به شرایط و موقعیت خاص حاکم بر آن دوره، بحران واقفه در شیعه پدیدار گشت. شیعیان با هدف آزمایش و بررسی احاطه علمی امام رضا علیه السلام نزد ایشان پرسش‌های گوناگونی را مطرح کردند. محمد بن عیسی بن عابد از جمله راویان فعالی بود که جهت جریان‌سازی علمی و عبور دادن جامعه شیعی از بحران جریان

۸۷. التوحید، ص ۱۰۷، ج ۸.

۸۸. گفتنی است که منظور از محمد بن عیسی در گزارش پیش رو، نمی‌تواند محمد بن عیسی اشعری باشد زیرا عبد الله بن جعفر حمیری به تنهایی از محمد بن عیسی بن عیسی بن عابد نقل روایت می‌کند.

۸۹. الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ج ۴.

۹۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۷، ج ۱۰۵.

۹۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۵، ج ۷.

واقفه، اقدام به جمع‌آوری پرسش‌های شیعیان و پاسخ‌های امام رضا علیه السلام کرد. وی به عبدالله بن جعفر حمیری گفته است:

رَوَى عَبْدَ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْيَقَطِينِيِّ قَالَ: لَمَّا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِي أَمْرِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَاءِ علیه السلام جَمَعْتُ مِنْ مَسَائِلِهِ مِمَّا سُئِلَ عَنْهُ وَاجَابَ عَنْهُ خَمْسَ عَشْرَةَ أَلْفَ مَسْأَلَةٍ.^{۹۲}

از درنگ در این سخن می‌توان دو نکته را به‌دست آورد:

- با توجه به عبارت «لَمَّا اخْتَلَفَ النَّاسُ...» جمع‌آوری پرسش‌ها در زمان امامت امام رضا علیه السلام صورت گرفته است.

- به احتمال زیاد، این کار فرهنگی محمد بن عیسی در میانه یا انتهای امامت امام رضا علیه السلام صورت گرفته است؛ چه اینکه جمع‌آوری و تدوین پانزده هزار پرسش و پاسخ در بازه زمانی کوتاه، میسر نیست.

۲/۲. امام جواد علیه السلام

امام محمد بن علی بن موسی التقی الجواد علیه السلام در بازه زمانی سال‌های ۲۰۳ تا ۲۲۰ قمری به مدت هفده سال عهده‌دار منصب الهی امامت بود. نجاشی به گاه یادکرد از محمد بن عیسی، وی را از روایان امام جواد علیه السلام به شمار آورده و به‌گفت‌وگوهای مستقیم و نامه‌نگاری‌های او با امام اشاره کرده است.^{۹۳} از جمله می‌توان گفت‌وگوی امام با وی در کتاب کافی را مطرح کرد:

مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي علیه السلام فَنَاطَرَنِي فِي أَشْيَاءَ ثُمَّ قَالَ لِي: يَا أَبَا عَلِيٍّ اِرْتَفِعِ الشَّكَّ مَا لِأَبِي غَيْرِي.^{۹۴}

۳/۲. امام هادی علیه السلام

امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در بازه زمانی سال‌های ۲۲۰ تا ۲۵۴ ق به مدت ۳۴ سال، امامت شیعه را به عهده داشتند. برقی^{۹۵} و شیخ طوسی^{۹۶}، محمد بن عیسی را از روایان امام هادی علیه السلام به

۹۲. الغيبة، ص ۷۳.

۹۳. رجال النجاشی، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶: روی عن ابی جعفر الثانی علیه السلام مکاتبة و مشافهة.

۹۴. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۳.

۹۵. رجال البرقی، ص ۵۸.

۹۶. رجال الطوسی، ص ۳۹۱، ش ۵۷۵۸.

شمار آورده‌اند. ارتباط شیعیان و راویان با امام هادی علیه السلام به دلیل محدودیت از جانب حاکمان به وسیله نامه‌نگاری یا سازمان وکالت برقرار می‌شد. با توجه به این نکته، بیشتر گزارش‌های محمد بن عیسی از امام هادی علیه السلام به صورت مکاتبه‌های طرفینی بوده است؛ در ادامه نمونه‌هایی از این رابطه، فراز آورده می‌شود:

یکم. نامه‌های امام هادی علیه السلام به محمد بن عیسی

نامه نخست: محمد بن عیسی نقل می‌کند بدون آن که چیزی برای امام نوشته باشم، ایشان این نامه را برایم نوشتند:

كَتَبَ إِلَى ابِوَالْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ ابْتِدَاءً مِنْهُ: لَعَنَ اللَّهُ الْقَاسِمَ الْيَقْطِينِيَّ وَ لَعَنَ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ حَسَكَةَ الْقُمِّيَّ، إِنَّ شَيْطَانًا تَرَاآ لِلْقَاسِمِ فَيُوحِي إِلَيْهِ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.^{۹۷}

نامه دوم: این نامه نیز مانند نامه پیشین، از سوی امام هادی علیه السلام صادر شده و محور آن بر پایه لعن غالیان، تبرئ جستن از آنها و فساد مذهب ایشان قرار دارد:

كَتَبَ إِلَى الْعَسْكَرِيُّ ابْتِدَاءً مِنْهُ: أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْفِهْرِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَا الْقُمِّيِّ فَأَبْرَأُ مِنْهُمَا، فَإِنِّي مُحَدَّرُكَ وَ جَمِيعَ مَوَالِي وَ إِنِّي أَلْعَنُهَا عَلَيْهِمَا لَعْنَةُ اللَّهِ، مُسْتَأْكِلِينَ يَأْكُلَانِ بِنَا النَّاسِ، فَتَانِينَ مُؤْذِنِينَ آذَاهُمَا اللَّهُ وَ أَرْكَسَهُمَا فِي الْفِتْنَةِ رَكْسًا، يَزْعُمُ ابْنُ بَابَا أَنِّي بَعَثْتُهُ نَبِيًّا وَ أَنَّهُ بَابٌ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، سَخَّرَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ فَأَعْوَاهُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَبِلَ مِنْهُ ذَلِكَ. يَا مُحَمَّدُ إِنْ قَدَّرْتَ أَنْ تَشْدَخَ رَأْسَهُ بِالْحَجَرِ فَافْعَلْ! فَإِنَّهُ قَدْ آذَانِي آذَاهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.^{۹۸}

دوم. نامه‌های محمد بن عیسی به امام هادی علیه السلام

پرسش‌ها و دغدغه‌های محمد بن عیسی با امام هادی علیه السلام به صورت نامه‌نگاری در دو قالب، قابل توجه است. برخی از آنها مسائل عمیق اعتقادی - به‌ویژه توحید - را در بر می‌گیرد که در خلال آن، به پرسش از بحث‌های تفسیری می‌پردازد؛ پارهای دیگر، پرسش‌های فقهی است که تمام باورمندان جامعه اسلامی هر لحظه به آن نیاز دارند.

یکم. پرسش‌های اعتقادی

۹۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۸، ش ۹۹۶.

۹۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۲۰، ش ۹۹۹.

پرسش اول: مرحوم کلینی این نامه را در باب حرکت و انتقال قرار داده است.
 محمد بن عیسی می گوید:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ يَا سَيِّدِي قَدْ رَوَى
 لَنَا أَنَّ اللَّهَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعِ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَ أَنَّهُ يَنْزِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ فِي
 النُّصْفِ الْآخِرِ مِنَ اللَّيْلِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَ رَوَى أَنَّهُ يَنْزِلُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ ثُمَّ يَرْجِعُ
 إِلَى مَوْضِعِهِ فَقَالَ بَعْضُ مَوَالِيكَ فِي ذَلِكَ: إِذَا كَانَ فِي مَوْضِعٍ دُونَ مَوْضِعٍ فَقَدْ
 يُبْلَغِيهِ الْهَوَاءُ وَ يَتَكَنَّفُ عَلَيْهِ وَ الْهَوَاءُ جِسْمٌ رَفِيقٌ يَتَكَنَّفُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقَدْرِهِ
 فَكَيْفَ يَتَكَنَّفُ عَلَيْهِ جَلَّ ثَنَاءُهُ عَلَى هَذَا الْمِثَالِ؟ فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلِمَ ذَلِكَ عِنْدَهُ وَ هُوَ
 الْمُقَدَّرُ لَهُ بِهَا هُوَ أَحْسَنُ تَقْدِيرًا وَ اعْلَمْ أَنَّهُ إِذَا كَانَ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَهُوَ كَمَا هُوَ عَلَى
 الْعَرْشِ وَ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا لَهُ سَوَاءٌ عِلْمًا وَ قُدْرَةً وَ مُلْكًا وَ إِحَاطَةً.^{٩٩}

پرسش دوم: گزارش پیش رو در بردارنده پرسش‌های اعتقادی و تفسیری درباره خداوند متعال
 است؛ اما در متن، اشاره‌ای به مکاتبه‌بودن آن نشده و با توجه به فضای پیرامونی زمان امام
 هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌بایست آن را مکاتبه انگاشت؛ زیرا تکلم حضوری با امام عَلَيْهِ السَّلَامُ با دشواری صورت
 می‌پذیرفته است.

مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ «وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
 بِيَمِينِهِ».^{١٠٠} فَقَالَ:

ذَلِكَ تَعْيِيرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَنْ شَبَّهَهُ بِخَلْقِهِ أَلَا تَرَى أَنَّهُ قَالَ: «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ
 حَقَّ قَدْرِهِ» وَ مَعْنَاهُ إِذَا قَالُوا إِنَّ «الْأَرْضَ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ
 مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ» كَمَا قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ نَزَّ عَزَّ وَ جَلَّ نَفْسَهُ عَنِ الْقَبْضَةِ وَ الْيَمِينِ فَقَالَ: «سُبْحَانَهُ
 وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ».^{١٠١}

٩٩. الكافي، ج ١، ص ١٢٦، ح ٤.

١٠٠. الزمر: ٦٧؛ و در روز قیامت، همه زمین تحت سلطه اقتدار او و تمامی آسمان‌ها پیچیده شده به دست اوست.

١٠١. التوحيد، ص ١٦٠، ح ١.

دوم. پرسش‌های فقهی

مکاتبه نخست:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ع: رَجُلٌ جَعَلَ لَكَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ شَيْئًا مِنْ مَالِهِ ثُمَّ احتاجَ إِلَيْهِ أَوْ يَأْخُذُهُ لِنَفْسِهِ أَوْ يَبْعَثُ بِهِ إِلَيْكَ؟ فَقَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ فِي ذَلِكَ مَا لَمْ يُجْرِجْهُ عَنْ يَدِهِ وَ لَوْ وَصَلَ إِلَيْنَا لَرَأَيْنَا أَنْ نُوَاسِيَهُ بِهِ وَ قَدْ احتاجَ إِلَيْهِ. ١٠٢

مکاتبه دوم:

كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ اليَقْطِينِيُّ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ ع فِي رَجُلٍ دَفَعَ ابْنَهُ إِلَى رَجُلٍ وَ سَلَّمَهُ مِنْهُ سَنَةً بِأَجْرَةٍ مَعْلُومَةٍ لِيُخِطَّ لَهُ ثُمَّ جَاءَ رَجُلٌ آخَرَ فَقَالَ لَهُ: سَلِّمْ إِيَّاكَ مِنِّي سَنَةً بِزِيَادَةِ هَلْ لَهُ الْخِيَارُ فِي ذَلِكَ وَ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ مَا وَافَقَ عَلَيْهِ الْأَوَّلُ أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ ع بِحَطِّهِ: يَجِبُ عَلَيْهِ الْوَفَاءُ لِلأَوَّلِ مَا لَمْ يَعْرِضْ لِابْنِهِ مَرَضٌ أَوْ ضَعْفٌ. ١٠٣

این نامه‌ها نشان‌دهنده جایگاه محمد بن عیسی در میان شیعیان و نزد امام هادی ع است.

٤/٢. امام حسن عسکری ع

امام حسن بن علی بن محمد العسکری ع به مدت شش سال - از سال ٢٥٤ تا سال ٢٦٠ ق - از جانب خداوند متعال، امامت را بر عهده داشتند. برقی ١٠٤ و شیخ طوسی ١٠٥ نام محمد بن عیسی را در زمره اصحاب این امام همام آورده‌اند. گزارش پیشین از «بورق بوشنجانی» ١٠٦ درباره حضور شیعیان در منزل محمد بن عیسی و پیگیری حال امام حسن عسکری ع از وی، نمایان‌گر طبقه‌روایی این راوی شاخص می‌باشد.

٤. داد و ستد حدیثی محمد بن عیسی بن عبید با اصحاب

داد و ستد حدیثی محمد بن عیسی در کتب اربعه نشان‌دهنده آن است که وی با حدود ١٣٠ نفر ارتباط روایی داشته و از آنها اخذ حدیث کرده است. برخی مشایخ وی مانند یونس بن عبدالرحمان،

١٠٢. من لایحضره الفقیه، ج ٤، ص ٢٣٢، ح ٥٥٥٤

١٠٣. من لایحضره الفقیه، ج ٣، ص ١٧٣، ح ٣٦٥٤

١٠٤. رجال البرقی، ص ٦١.

١٠٥. رجال الطوسی، ص ٤٠١، ش ٥٨٨٧.

١٠٦. اختیار معرفة الرجال، ص ٥٣٧، ش ١٠٢٣.

محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حماد بن عیسی، احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، حسن بن محبوب و عبدالله بن المغیره البجلی از اصحاب اجماع هستند.^{۱۰۷}

پیش از این گفته شد که در ارتباطهای حدیثی محمد بن عیسی با دو نفر از اساتید وی یعنی حسن بن محبوب و یونس بن عبدالرحمان چالش جدی وجود دارد. در این فراز از سخن به بررسی این چالش‌ها پرداخته می‌شود تا اثر آن در شناخت بهتر طبقه محمد بن عیسی هویدا گردد.

۱/۳. حسن بن محبوب

ابوعلی^{۱۰۸} حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بن وهب^{۱۰۹}، در سال ۲۲۴ق در سن ۷۵ سالگی فوت کرد^{۱۱۰}؛ بر این پایه، سال ولادت او ۱۴۹ق خواهد بود.

وی در طبقه اصحاب امام کاظم^{۱۱۱}، اصحاب امام رضا^{۱۱۲} و اصحاب امام جواد^{۱۱۳} قرار دارد. نام او ضمن ۳۶۳۸ سند در کتب اربعه آمده است. او از محضر بیش از ۱۸۰ استاد، چون علی بن رثاب، ابان بن تغلب، حماد بن عیسی کوفی، ابان بن عثمان و محمد بن سنان زاهری کوفی تحمّل حدیث داشت و بیش از صد راوی، چون ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، حسن بن علی بن فضال، محمد بن علی بن محبوب و محمد بن عیسی بن عبید از وی اخذ حدیث و نقل روایت کرده‌اند. نسبت به رابطه محمد بن عیسی با او در دو فراز، مباحثی مطرح می‌شود.

یکم. چالش در داد و ستد حدیثی محمد بن عیسی با حسن بن محبوب

خاستگاه این چالش، عبارتی است که در کتاب کشی و رجال نجاشی - به نقل از کشی - وجود دارد. کشی چنین آورده است:

قَالَ نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، مِنْ صِغَارِ مَنْ يَرُورِي عَنِ

ابن محبوبٍ فِي السَّنَةِ ۱۱۴

-
۱۰۷. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰.
۱۰۸. فهرست کتب الشيعة، ص ۱۲۲، ش ۱۶۲.
۱۰۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۴، ش ۱۰۹۴.
۱۱۰. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۴، ش ۱۰۹۴: مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى فِي آخِرِ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَ عَشْرِينَ وَ مِئَتَيْنِ، وَ كَانَ مِنْ أَبْنَاءِ حَمْسٍ وَ سَبْعِينَ سَنَةً.
۱۱۱. رجال الطوسي، ص ۳۳۴، ش ۴۹۷۸.
۱۱۲. رجال الطوسي، ص ۳۵۴، ش ۵۲۵۱.
۱۱۳. الفهرست، ص ۳۰۹: الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ السَّرَادِ، وَ هُوَ الزَّرَادِ، مِنْ أَصْحَابِ مَوْلَانَا الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ ابْنِهِ.
۱۱۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۱.

نجاشی در مدخل محمد بن عیسی به نقل از کشی، به وقوع رابطه غیر معروف بین وی با حسن بن محبوب اشاره کرده و می‌گوید:

قَالَ أَبُو عَمْرٍو الْكَشِّيُّ: نَصْرُ بَنِ الصَّبَّاحِ يَقُولُ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَيْسَى بْنَ عَبِيدِ بْنِ يَظِينَانَ أَصْعَرَ فِي السَّنِّ أَنْ يَرَوَى عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ.^{۱۱۵}

باید توجه داشت که برآیند سخن کشی، محمد بن عیسی بن عبید را در زمره راویان جوان حسن بن محبوب قرار می‌دهد؛ اما گزارش نجاشی کاشف از آن است که محمد بن عیسی بن عبید در سنی قرار ندارد تا بتواند از حسن بن محبوب روایت کند؛ بنابراین با توجه به گزارش کشی هیچ مانع و چالشی در ارتباط روایی محمد بن عیسی با حسن بن محبوب وجود ندارد.

دوم. ارزیابی گزارش کشی و نجاشی

با واکاوی و جست‌وجو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان گمانه‌های زیر را در نپذیرفتن گزارش کشی و نجاشی، فراز آورد:

۱. اگر بر پایه گزارش کشی، وفات حسن بن محبوب را ۲۲۴ق بدانیم^{۱۱۶} و از سوی دیگر، ولادت محمد بن عیسی بن عبید را بین ۱۷۳ تا ۱۷۸ قمری تخمین بزنیم، هیچ‌گونه اختلالی در ارتباط‌گیری روایی محمد بن عیسی با حسن بن محبوب قابل تصور نیست. پیش از این ثابت شد که راوی در این سن دارای شأنیت خطاب بوده است.

۲. اگر قرار باشد به ظاهر گزارش کشی و نجاشی درباره محمد بن عیسی بن عبید بسنده کنیم، بی‌گمان باید گفت که این ظاهر، قابل پذیرش نیست؛ چه اینکه برخی شاگردان محمد بن عیسی مانند احمد بن محمد بن خالد برقی - متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ق - و احمد بن محمد بن عیسی اشعری در زمره شاگردان و راویان حسن بن محبوب به شمار می‌آیند.^{۱۱۷} حتی احمد بن محمد بن عیسی در میان مشایخ خویش، بیشترین ارتباط روایی را با حسن بن محبوب در کتب اربعه - با ۱۳۹۲ سند - دارد. حال آن‌که دانشیان رجال در خصوص هیچ‌یک از این دو نفر، به کوچکی سن اشاره نکرده‌اند. در مقام مقایسه بین گزارش‌های نجاشی و کشی، به هیچ روی نمی‌توان گزارش نجاشی را پذیرفت؛ چه اینکه مجموع داده‌های طبقه‌شناختی محمد بن عیسی و همچنین سال وفات حسن

۱۱۵. رجال النجاشی، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶.

۱۱۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۴، ش ۱۰۹۴.

۱۱۷. در کتب اربعه تعداد ۱۶۶ سند از احادیث حسن بن محبوب از طریق احمد بن محمد بن خالد برقی به دست ما رسیده است.

بن محبوب که پیش از این اشاره شد، امکان روایت محمد بن عیسی از حسن بن محبوب را به گونه مستحکم میسور می‌سازد.

در صورت پذیرش گزارش کشی باید به تبیین و تفسیر دیگری از آن روی آورد. کشی از نصر بن صباح نقل می‌کند:

سَمِعْتُ أَصْحَابَنَا أَنَّ مَحْبُوبًا أَبَا حَسَنِ كَانَ يُعْطِي الْحَسَنَ بِكُلِّ حَدِيثٍ يَكْتُبُهُ عَن

عَلِيِّ بْنِ رَآبٍ دِرْهَمًا وَاحِدًا.^{۱۱۸}

از این گزارش می‌توان استفاده کرد که حسن بن محبوب دست کم در سنین نوجوانی به تحمّل حدیث از علی بن رثاب پرداخته و پدر وی به ازای نگارش هر حدیث به او یک درهم می‌داده است. شخصیت علمی علی بن رثاب برای پدر حسن بن محبوب موضوعیت داشته و خواهان شاگردی پسرش از وی بوده است. این تشویق و پاداش در دوران نوجوانی حسن بن محبوب، جهت فراگیری حدیث، مؤثر می‌افتد و او را جزو ارکان چهارگانه شیعه در فقه و حدیث قرار می‌دهد.^{۱۱۹} شاید بتوان گزارش‌های پیش‌گفته را این‌گونه همسان‌سازی کرد: همان‌گونه که حسن بن محبوب از هم‌طبقه‌های خویش پیش‌تر و سریع‌تر وارد عرصه تحمّل حدیث شد، محمد بن عیسی هم در سنین نوجوانی و پیش از هم‌طبقه‌های خود به فراگیری و تحمّل حدیث از حسن بن محبوب پرداخت.

گفتنی است، به دلیل ارتباط خانوادگی یونس بن عبدالرحمان با خاندان یقطین، این فرصت برای محمد بن عیسی فراهم آمده تا سریع‌تر از معاصران خود به تحمّل حدیث مشغول شود. شاهد درستی این گمانه، بازخوانی فهرست مشایخ محمد بن عیسی است که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد. بنابراین با پذیرش گزارش کشی و تبیین ارائه‌شده به یافته دیگر تاریخی دست یافتیم. البته از برخی گزارش‌های پیرامون علی بن حسن بن فضال^{۱۲۰}، فضل بن شاذان^{۱۲۱} و ابوغالب زراری^{۱۲۲} نیز می‌توان استفاده کرد که برخی از راویان مرتبط با خاندان علمی، زودتر از هم‌عصران خود، وارد عرصه تحمّل حدیث شده‌اند.

۱۱۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۸۵، ش ۱۰۹۵.

۱۱۹. فهرست کتب الشیعة، ص ۱۲۲، ش ۱۶۲: وَ يُعَدُّ فِي الْأَرْكَانِ الْإِرْبَعَةِ فِي عَصْرِه.

۱۲۰. رجال النجاشی، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶: و لم یرو عن ایبه شیئا و قال: کنت اقباله و سئیت ثمان عشرة سنة بکتبه و لا افهم اذ ذاک الروایات و لا استحل ان اروبها عنه.

۱۲۱. رجال النجاشی، ص ۳۴، ش ۷۲.

۱۲۲. رساله ابی غالب الزراری الی ابن ابنه فی ذکر آل اعین، ص ۱۴۹.

۲/۳. یونس بن عبدالرحمان

ابومحمد یونس بن عبدالرحمان، به «مولى على بن يقطين» معروف است.^{۱۳۳} چندان روشن نیست که او در چه سالی متولد شد؛ اما برخی از دانشیان رجال، تاریخ ولادتش را در پایان دوران زمامداری هشام بن عبد الملک دانسته‌اند.^{۱۳۴} گفتنی است که حکومت هشام بن عبد الملک در سال ۱۰۵ ق آغاز شده و بعد از گذشت ۲۰ سال، در آخر ماه ربیع الثانی سال ۱۲۵ ق با مرگ وی پایان پذیرفت.^{۱۳۵} بر این پایه می‌توان گفت که یونس بن عبدالرحمان در سال ۱۲۵ ق چشم به جهان گشود.

یونس از طبقه سوم اصحاب اجماع به شمار می‌آید.^{۱۳۶} نام او در ۱۳۸۳ سند در کتب اربعه شیعه ذکر شده است. وی امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده^{۱۳۷} و از امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام روایت کرده است.^{۱۳۸}

فهرست‌نویسان بزرگ شیعه، نام کتاب‌های فراوانی را از او ذکر کرده‌اند^{۱۳۹}؛ فضل بن شاذان می‌گوید:

یونس بالغ بر یک هزار کتاب در رد مخالفان شیعه تألیف کرد.^{۱۴۰}

برخی تاریخ وفات یونس بن عبدالرحمان را در سال ۲۰۸ ق می‌دانند؛^{۱۴۱} اما با توجه به قرائن متعدد او پیش از شهادت امام رضا علیه السلام - سال ۲۰۳ ق - درگذشته است.^{۱۴۲}

۱۲۳. رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸؛ رجال الطوسی، ص ۳۴۶، ش ۵۱۶۷ و ص ۳۶۸، ش ۵۴۷۸.
۱۲۴. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۶، ش ۹۲۰: وُلِدَ یونسُ فی آخرِ زمانِ هشامِ بنِ عبدِ الملک؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸: ولد فی ایام هشام بن عبد الملک.
۱۲۵. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ الطبری)، ج ۷، ص ۲۰۰.
۱۲۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰.
۱۲۷. گویا یونس در دو موقعیت، امام صادق علیه السلام را ملاقات کرده است. یک بار در کنار قبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۵، ش ۹۱۸) و یک بار هم هنگام سعی بین صفا و مروه (رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸) همچنین وی می‌گوید: برایم ممکن نشد که از امام علیه السلام پرسشی انجام دهم. (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۵، ش ۹۱۸)

۱۲۸. رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸: و روی عن ابی الحسن موسی و الرضا علیه السلام.

۱۲۹. رجال النجاشی، ص ۴۴۷، ش ۱۲۰۸؛ فهرست کتب الشیعة، ص ۵۱۱، ش ۸۱۳.

۱۳۰. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۵، ش ۹۱۷: وَ أَلْفَ ألفٍ جَلِدَ رَدًّا عَلَی الْمُخَالِفِینَ.

۱۳۱. رجال العلامة الحلی، ص ۱۸۴: مات یونس بن عبدالرحمان سنة ثمان و مئتين رحمه الله و قدس روحه.

۱۳۲. دو گمانه درباره سال وفات یونس بن عبدالرحمان وجود دارد که بررسی می‌شود:

گمانه نخست: وی بین سال ۱۹۹ تا ۲۰۳ (سال شهادت امام رضا علیه السلام) وفات کرد. برای این گمانه می‌توان به قرینه‌های زیر تمسک جست:

قرینه اول: کشتی در گزارش خود به زنده‌بودن یونس تا سال ۱۹۹ق اشاره کرده است. (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۹۸، ش ۹۵۶)

قرینه دوم: امام رضا علیه السلام در مورد یونس فرمودند: «يُونُسُ فِي زَمَانِهِ كَسَلَمَانَ الْفَارِسِيِّ فِي زَمَانِهِ.» (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۶، ش ۹۱۹) استعمال ضمیر غائب «فِي زَمَانِهِ» بیان‌گر این است که سخن امام رضا علیه السلام پس از وفات یونس اظهار شده است.

قرینه سوم: کشتی از فضل بن شاذان گزارش کرده است: یونس ۵۴ حج به جای آورد که آخرین آن به نیابت از امام رضا علیه السلام بود. (اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۸، ش ۹۲۶) این داده می‌تواند بیان‌گر وفات وی در زمان امام رضا علیه السلام باشد.

گمانه دوم: یونس بن عبدالرحمان بعد از شهادت امام رضا علیه السلام در قید حیات بوده و در سال ۲۰۸ق وفات کرده است. قرینه‌های این گمانه عبارت است از:

قرینه نخست: مرحوم علامه حلی یگانه دانشمندی است که در خلاصة الاقوال، ص ۱۸۴ بدون آنکه مستندی ارائه دهد این نظر را پذیرفته است.

قرینه دوم: گزارش کتاب الثبات الوصیة، ص ۲۲۰ حکایت از زنده‌بودن یونس بعد از شهادت امام رضا علیه السلام دارد. علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶ق) مؤلف این کتاب می‌نویسد:

فَلَمَّا مَضَى الرَّضَاءُ علیه السلام فِي سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ مِئَتَيْنِ كَانَتْ سُنَّ ابْنِ جَعْفَرٍ نَحْوَ سَبْعِ سِنِينَ. وَ اخْتَلَفَتْ الْكَلِمَةُ مِنَ النَّاسِ بِيَبْدَاءِ وَ فِي الْاِمْصَارِ وَ اجْتَمَعَ الرِّيَّانُ بِنِ الصَّلْتِ وَ صَفْوَانَ بِنِ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بِنِ حَكِيمٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بِنِ الْحِجَّاجِ وَ يُونُسُ بِنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ وَ جَمَاعَةٌ مِنْ وَجْهِ الشَّيْخَةِ وَ ثِقَاتِهِمْ فِي دَارِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بِنِ الْحِجَّاجِ فِي بَرَكَةِ زُلُولِ بَيْكُونِ وَ يَتَوَجَّعُونَ مِنَ الْمَصِيبَةِ فَقَالَ لَهُمْ يُونُسُ بِنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ: دَعُوا الْبُكَاءَ، مِنْ لِهَذَا الْاَمْرِ؟ وَ اِلَى مِنْ يَقْصِدُ بِالْمَسَائِلِ اِلَى اَنْ يَكْبُرَ هَذَا الصَّبِي؟ يَعْنِي اَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام. فَقَامَ اِلَيْهِ الرِّيَّانُ بِنِ الصَّلْتِ فَوَضَعَ يَدَهُ فِي حَلْقِهِ وَ لَمْ يَزَلْ يَلْطَمُهُ وَ يَقُولُ لَهُ: يَا اِبْنَ الْفَاعِلَةِ اَنْتِ تَظْهَرِ الْاِيْمَانَ لَنَا وَ تَبْطِنِ الشُّكَّ وَ الشَّرْكَ. اِنْ كَانَ اَمْرُهُ مِنَ اللّٰهِ جَلَّ وَ عَلا فَلَوْ اَنَّهُ اِبْنُ يَوْمٍ وَّاحِدٍ كَانَ بِمَنْزِلَةِ اِبْنِ مِئَةِ سَنَةٍ، وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ فَلَوْ عَمَّرَ الْاَلْفَ سَنَةً فَهُوَ كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ. هَذَا مَا يَنْبَغِي اَنْ يَفْكَرَ فِيهِ. فَاقْبَلْتَ الْعَصَابَةَ عَلَيَّ يُونُسُ تَعَذَّلَهُ وَ تَوَيْخَهُ.

بی‌گمان گزارش حاضر با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که در این پژوهش به سه مورد آن اشاره می‌شود: نخست: مجموعه اطلاعات موجود درباره عبدالرحمان بن حجاج بیان‌گر آن است که وی نمی‌تواند پس از شهادت امام رضا علیه السلام حیات داشته و ایشان را درک کرده باشد. (رجال النجاشی، ص ۲۳۸، ش ۶۳۰؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۱۳، ش ۵)

دوم: گزارش اثبات الوصیة که دارای ارسال است با اختلافاتی به گونه مسند در کتاب دلائل الامامة، ص ۳۸۸، ش ۳۴۳ با سند زیر به دست ما رسیده است: حَدَّثَنِي أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو النَّجْمِ بَدْرُ ابْنِ عَمَارٍ الطَّبْرِسْتَانِي، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْمُحَمَّدِ عَنِ أَبِيهِ قَالَ: ...

نسبت به رابطه محمد بن عیسی با او در دو فراز، مباحثی مطرح می‌شود.

یکم. چالش در داد و ستد حدیثی محمد بن عیسی با یونس

برآیند گفتار نصر بن صباح در کتاب کشی^{۱۳۳} و رجال نجاشی^{۱۳۴}، می‌تواند موجب برانگیختن چالشی در رابطه روایی میان محمد بن عیسی بن عبید با یونس بن عبدالرحمان شود. سال وفات حسن بن محبوب ۲۲۴ق و تاریخ وفات یونس، حداکثر تا زمان شهادت امام رضا^{علیه السلام} یعنی سال ۲۰۳ق است. بدین ترتیب فاصله وفات این دو راوی، ۲۱ سال خواهد بود. چالش در این است که اگر محمد بن عیسی بن عبید از شاگردان کوچک حسن بن محبوب باشد، چگونه می‌تواند به شکل طبیعی و در سن قابل قبول، یونس بن عبدالرحمان را درک کرده باشد و از وی روایت کند؟ برخی معتقدند که این چالش در نگاه محمد بن حسن بن ولید و همچنین شاگرد وی (شیخ صدوق) تا جایی تأثیر داشته که موجب استثنای روایات محمد بن عیسی از یونس گردیده است.^{۱۳۵}

دوم. قرینه‌های بطلان چالش در تعاملات حدیثی محمد بن عیسی با یونس

برای برون‌رفت از چالش و ابهام پیش گفته، نیاز به اثبات دو نکته مهم داریم. یکی، اثبات رابطه روایی متعارف بین محمد بن عیسی بن عبید با یونس و دوم، قابل قبول بودن سن محمد بن عیسی در ارتباط روایی با یونس. با واکاوی و جست‌وجو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان چهار قرینه زیر را برای چالش‌زدایی فراز آورد:

قرینه نخست: شأنیت مورد خطاب واقع شدن محمد بن عیسی در بحث‌های علمی این شأنیت در گزارش کلینی، نشانی آشکار از ارتباط محمد بن عیسی بن عبید با حسن بن فضال و یونس بن عبدالرحمان دارد: محمد بن عیسی بن عبید گوید:

وجود بدر بن عمار طبرستانی در این سند، ناشناخته است و فقط در دو سند از او یاد شده است؛ هرچند که در برخی منابع تاریخی از فردی با نام بدر بن عمار سخن به میان آمده، اما مجموعه اطلاعات موجود نشان‌گر آن است که بازه زمانی این دو با هم سازگار نیست.

سوم: با توجه به معرفت عمیق یونس نسبت با مقام والای امامت و همچنین اعطای مرجعیت علمی در تمام حوزه‌های دین‌شناختی از سوی امام رضا^{علیه السلام} به وی، محتوای این گزارش با چالش جدی مواجه است. (اختیار

معرفة الرجال، ص ۴۸۳، ش ۹۱۰)

نتیجه: با توجه به قرینه‌های متعدد در اثبات گمانه اول و دشواری‌های گمانه دوم، به نظر می‌رسد که گمانه دوم را نمی‌توان پذیرفت.

۱۳۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۷.

۱۳۴. رجال النجاشی، ص ۳۳۳.

۱۳۵. الرجال، ص ۵۰۹، ش ۴۵۹؛ روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۶، ص ۵۴؛ شعب المقال فی

درجات الرجال، ص ۲۱۷؛ تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی)، ج ۳، ص ۱۶۹.

كُنْتُ أَنَا وَابْنُ فَضَالٍ جُلُوسًا إِذْ أَقْبَلَ يُونُسُ فَقَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاءِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَكْثَرَ النَّاسُ فِي الْعَمُودِ. قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا يُونُسُ مَا تَرَاهُ؟ أَرَاهُ عَمُودًا مِنْ حَدِيدٍ يَرْفَعُ لِصَاحِبِكَ؟ قَالَ: قُلْتُ: مَا أَدْرَى. قَالَ: لِكَيْتَهُ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِكُلِّ بَلَدَةٍ يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَعْمَالَ تِلْكَ الْبَلَدَةِ. قَالَ: فَقَامَ ابْنُ فَضَالٍ فَقَبَّلَ رَأْسَهُ وَ قَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا تَزَالُ تُحْيِيءُ بِالْحَدِيثِ الْحَقِّ الَّذِي يُفْرَجُ اللَّهُ بِهِ عَنَّا. ١٣٦

از گزارش پیش رو می‌توان دو نکته را برداشت کرد. نخست اینکه سنّ محمد بن عیسی بن عبید به گونه‌ای است که شأنیت نشستن و مورد خطاب واقع شدن با هم طبقه استاد خویش یعنی ابن فضال را در داد و ستدهای علمی دارد. دوم اینکه در این گزارش، قیودی مانند نوجوان بودن محمد بن عیسی یا فاصله سنّی وی با ابن فضال و یونس مطرح نشده است. این نکته نشان‌گر آن است که مفاهیم گفت‌وگویی علمی بین ابن فضال و یونس، برای محمد بن عیسی دارای ابهام نبوده؛ بلکه آنها را به خوبی ادراک و حالت‌های آنها را به درستی برای نسل‌های بعد گزارش کرده است.

قرینه دوم: استفاده از عبارات السند در تعاملات حدیثی وی با یونس

همان‌طور که در آغاز مقاله بیان شد، تعبیر واسطه در درجه نخست برای گزارش کیفیت تحمّل روایت به کار برده می‌شود. از واژه‌های تعبیر واسطه می‌توان به «حَدَّثَنِي» یا «حَدَّثَنَا» اشاره کرد که از الفاظ دلالت‌کننده بر سماع و قرائت می‌باشد.^{١٣٧} مفهوم واژه حاضر این است که شاگرد در سنّ متعارف و قابل قبولی خدمت استاد رسیده و از وی به اخذ و تحمّل حدیث پرداخته است. با کاربری این واژه در سند حدیث، محدثان به بهترین نوع فراگیری و تحمّل حدیث اشاره کرده و شیوه‌های دیگر ماننده اجازة، مناولة، وجادة و... را از محدوده خارج می‌کنند. در گزارش‌های فراوان، تعبیر «حَدَّثَنِي» جهت ارتباط روایی محمد بن عیسی با یونس به کار رفته است، مانند:

١٣٦. الکافی، ج ١، ص ٣٨٨، ح ٧.

١٣٧. نجاشی در مدخل سعد بن عبد الله قمی می‌نویسد: ... قال الحسين بن عبيد الله رحمه الله جئت بالمنتخبات الى ابي القاسم بن قولويه رحمه الله اقرؤها عليه، فقلت: حدثك سعد، فقال: لا، بل حدثني ابي و اخی عنه و انا لم اسمع من سعد الا حديثين. (رجال النجاشی، ص ١٧٨، ش ٤٦٧). حسین بن عبید الله غضناری از دانشمندانی است که بسیار به فرآیند قرائت و سماع پایند بوده است. همو کتاب‌های ابو غالب زراری را بارها بر وی قرائت و سماع کرده است. (فهرست کتب الشیعة، ص ٧٥، ش ٩٤) ابن قولویه در این گزارش از واژه حدّث، فرایند قرائت و سماع را برداشت کرده است به همین دلیل می‌گوید: کتاب منتخبات را از پدر و برادرم فرا گرفتیم و از طریق سعد بن عبد الله تحمّل حدیث نکردم.

- مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام... ۱۳۸

- حَمَادٌ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَمَادٍ قَالَ... ۱۳۹

- وَ عَنْهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا ابُو الْحَسَنِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَدَارِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ... ۱۴۰

- وَ مِنْهُ ۱۴۱ أَيْضًا: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْخَلْبِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام... ۱۴۲

- حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ... ۱۴۳

- حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى حَدَّثَنَا يُونُسُ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ... ۱۴۴

بر پایه تحلیل داده‌های عبارات السند، داد و ستد روایی محمد بن عیسی با یونس، سقط و ارسال ندارد.

قرینه سوم: پذیرفتن رابطه روایی محمد بن عیسی از یونس توسط بزرگان طائفه برخی شاگردان محمد بن عیسی در زمره بزرگان طائفه شیعه بودند. از جمله می‌توان از سعد بن عبدالله قمی نام برد که نجاشی در یادکرد وی می‌نویسد:

سَيِّحُ هَذِهِ الطَّائِفَةِ وَ فَقِيهُهَا وَ وَجَّهَهَا. ۱۴۵

۱۳۸. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۹۵، ش ۵۲۲.

۱۳۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۴۴۹، ش ۸۴۴.

۱۴۰. الامالی للطوسی، ص ۶۸۲، ح ۱۴۵۱.

۱۴۱. «منه» یعنی مؤلف کتاب مختصر البصائر (حسن بن سلیمان حلی) این احادیث را از کتاب تفسیر روایی محمد بن عباس بن ماهیار گرفته است. نجاشی درباره این کتاب می‌نویسد: «و قال جماعة من اصحابنا: انه كتاب لم يصنف في معناه مثله، وقيل: انه الف ورقة.» (رجال النجاشی، ص ۳۷۹، ش ۱۰۳۰)

۱۴۲. مختصر البصائر، ص ۴۲۲، ۴۹۹.

۱۴۳. مختصر البصائر، ص ۴۸۷، ش ۵۴۳.

۱۴۴. مختصر البصائر، ص ۴۹۱، ش ۵۵۲.

۱۴۵. رجال النجاشی، ص ۱۷۷، ش ۶۶۷.

سعد از دانشمندانی است که در عرضه شناخت طبقات راویان شیعه فعالیت داشت و کتاب «طبقات الشیعة»^{۱۴۶} را نگاشت. او در رابطه روایی محمد بن عیسی بن عبید با یونس هیچ‌گونه پیچیدگی و چالشی را ندید. وی با نقل فراوان و مکرر از این طریق^{۱۴۷} اقدام به امضای علمی و پذیرش آن کرد. به‌عنوان نمونه در تهذیب شیخ طوسی چنین سندی آمده است:

عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ
الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: ...^{۱۴۸}

محمد بن حسن صفار از دیگر شاگردان بافضیلت محمد بن عیسی است. نجاشی درباره وی می‌گوید:

كَانَ وَجْهًا فِي أَصْحَابِنَا الْقَمِيَّيْنَ، ثِقَةً عَظِيمَ الْقَدْرِ رَاجِحًا قَلِيلَ السَّقَطِ فِي
الرُّوَايَةِ.^{۱۴۹}

وی به داد و ستد حدیثی محمد بن عیسی با یونس، باور داشته و به تحمل آن پرداخت. بازتاب این باورداشت در کتب اربعه شیعه و منابع حدیثی مختلف قابل مشاهده است.^{۱۵۰} عبدالله بن جعفر حمیری - که نجاشی وی را با دو تعبیر «شیخ القمیین و وجههم»^{۱۵۱} و «شیوخ أصحابنا»^{۱۵۲} ستوده است - محمد بن عیسی بن عبید را به‌عنوان یک راوی پُر تکرار تحمل کرد. او احادیث وی از یونس بن عبدالرحمان را با فراوانی به نسل‌های پسین انتقال داد.^{۱۵۳}

۱۴۶. نجاشی در مدخل «هیثم بن عبدالله»، از این کتاب با عنوان الطبقات (رجال النجاشی، ص ۴۳۶، ش ۱۱۷۰) و در مدخل «محمد بن یحیی المعینی (المغینی)» با عنوان طبقات الشیعة یاد کرده است. (رجال النجاشی، ص ۴۰۴، ش ۱۰۷۱)

۱۴۷. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۷۷، ح ۲۱۸؛ ج ۵، ص ۱۸۴، ح ۶۱۳ و ج ۸، ص ۱۲۱، ح ۴۱۹ و ص ۱۳۶، ح ۴۷۵. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۲، ص ۴۵، ح ۱۴۶ و ص ۵۰، ح ۱۶۶ و ج ۳، ص ۳۲۶، ح ۱۱۵۸ و ص ۳۳۷، ح ۱۲۰۰؛ الامالی للصدوق، ص ۶۱۵، ح ۱؛ التوحید، ص ۹۳، ش ۷ و ۹؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۷۴؛ عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۱، ص ۲۹، ح ۲۰ و ص ۳۰، ح ۲۲ و ۲۴؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۸ و ج ۲، ص ۴۱۴، ح ۱؛ معانی الاخبار، ص ۶، ح ۱ و ص ۳۴۴، ح ۱؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۷ و ص ۶۰۳، ح ۷۲؛ الغیبة، ص ۱۹۶.

۱۴۸. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸۶، ح ۲۵۱.

۱۴۹. رجال النجاشی، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

۱۵۰. الامالی للصدوق، ص ۳۰۱، ح ۲؛ التوحید، ص ۱۳۸، ح ۱۲؛ الاختصاص، ص ۶۴؛ الامالی للمفید، ص ۲۱۴، ح ۶؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۷۸، ح ۲ و ج ۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱۸۹ و ج ۸، ص ۲۱۵، ح ۷۶۶ و ج ۹، ص ۱۳، ح ۵۰ و ص ۱۴، ح ۵۵؛ الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۲، ص ۴۳، ح ۲ و ج ۳، ص ۹۹، ح ۱ و ص ۱۵۵، ح ۴ و ص ۱۹۱، ح ۳ و ص ۲۱۲، ح ۶ و ج ۴، ص ۴۱۴، ح ۵.

۱۵۱. رجال النجاشی، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۱۵۲. رجال النجاشی، ص ۳۰۳، ش ۸۲۸.

قرینه چهارم: ارزیابی رابطه روایی محمد بن عیسی از یونس بر پایه اسناد در اسناد کتاب کافی ۶۶۴ بار عنوان معیار سند زیر تا معصوم تکرار شده است:
 عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ
 در برخورد با این سند، دو پرسش رخ می‌نماید:

- آیا انعکاس این رابطه روایی در اسناد کافی، پیراسته از هرگونه خللی است؟
 - آیا شکل ارتباط کلینی در اسناد محمد بن عیسی و یونس تا معصوم به‌گونه متعارف بوده و نافی ارسال می‌باشد؟
- در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که تکرار فراوان این سند، باعث اطمینان نفسانی به درستی ارتباط روایی میان دو راوی مورد گفت‌وگو می‌شود.
- در پاسخ به پرسش دوم گفته می‌شود که شکل این رابطه روایی تا معصوم به درستی تبیین شده است. با توجه به نگاه آماری که در ادامه خواهد آمد، هیچ‌گونه علو سند^{۱۵۴} و غرابتی در طریق کلینی با سند «عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانَ» تا معصوم برداشت نمی‌شود.
- آمار واسطه‌ها بین مرحوم کلینی تا امام صادق علیه السلام بدین شرح است:

سند ۱۲۴۷۱	تعداد روایت منقول از امام صادق <small>علیه السلام</small> در کتاب کافی
سند ۴۹۶۹	تعداد روایات چهارواسطه‌ای بین کلینی تا امام صادق <small>علیه السلام</small>
سند ۵۳۸۷	تعداد روایات پنج‌واسطه‌ای بین کلینی تا امام صادق <small>علیه السلام</small>

۱۵۳. ن.ک: قرب الاسناد، ص ۳۰۶، ح ۱۲۰ و ص ۳۳۳، ح ۱۲۳۵؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۲۵ و ص ۲۵۹، ح ۴ و ص ۵۱۹، ح ۴؛ الامالی للصدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۱۸ و ج ۲، ص ۴۱۴، ح ۱؛ معانی الاخبار، ص ۱۱۷، ح ۱؛ الغیبة، ص ۲۲۶.

۱۵۴. عالمان علم درایه به حدیثی که با تعداد کمی واسطه به گونه متصل از معصوم علیه السلام نقل می‌شود، عالی السند گویند. (ن.ک: الرعیة فی علم الدرایة، ص ۱۱۲) به عبارت دیگر، اگر معمول اسناد کلینی تا امام صادق علیه السلام دارای ۴ یا ۵ واسطه باشد، در علو سند می‌بایست به سه واسطه تقلیل یابد؛ مانند سند «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ» در کتاب کافی که بین کلینی تا امام صادق علیه السلام دارای سه واسطه است. از این سند در کتاب کافی حدود ۷۰ مورد یافت می‌شود که مورد پذیرش دانشیان علوم حدیث قرار گرفته است؛ زیرا عمر هارون بن مسلم تا حدی به درازا کشیده و دو طبقه از واسطه‌ها را پوشش داده است.

از آمار پیش رو به دست می‌آید که از میان ۱۲۴۷۱ سند، تعداد ۱۰۳۵۶ سند دارای ۴ یا ۵ واسطه از مرحوم کلینی تا امام صادق علیه السلام است. به گاه رجوع به اسناد «علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی بن عبید عن یونس بن عبدالرحمان» تا امام صادق علیه السلام در کتاب کافی روشن می‌شود که این طریق، دارای چهار یا پنج واسطه است. این پدیده به معنای هماهنگی طریق پیش گفته با حدود ۱۰۳۵۶ سند در اسناد کتاب کافی می‌باشد.

برآیند تحلیلی داده‌های پیش گفته، چنین است که هیچ غرابت و ناسازگاری بین داده‌های کافی با طریق مذکور وجود ندارد؛ در نتیجه محمد بن عیسی در سن متعارف از یونس تحمل حدیث داشته و ارسال در بین آن دو رخ نداده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های زیر را می‌توان به عنوان دستاوردهای این پژوهش به شمار آورد:

۱. در این پژوهش از سه راهکار نوین زیر در تعیین طبقه راوی - که پیش از این، کمتر به آن توجه شده - برای برون رفت از چالش‌های بیان شده در طبقه محمد بن عیسی استفاده شده است:

- شأنیت راوی جهت مخاطب واقع شدن با امام علیه السلام یا مشایخ.
- استفاده از عبارات السند (تعابیر واسطه) در تعاملات حدیثی راوی با امام علیه السلام یا مشایخ.
- ارزیابی داد و ستد حدیثی راوی بر پایه اسناد.

۲. بر پایه قرائن، گمانه تاریخ ولادت محمد بن عیسی بین سال‌های ۱۷۳ تا ۱۷۸ ق بوده و گمانه تاریخ وفات وی بین سال‌های ۲۶۰ تا ۲۶۵ ق می‌باشد. بنابراین می‌توان سن او را بین ۸۲ تا ۹۲ سال برآورد کرد.

۳. با توجه به قرائن گوناگون، نمی‌توان ظاهر سخن «نصر بن صباح» را در رجال کشی و نجاشی، نسبت به خردسالی سن محمد بن عیسی پذیرفت؛ اما می‌توان کلام وی در رجال کشی را این گونه توجیه کرد که محمد بن عیسی زودتر از هم‌عصران خویش به تحمل حدیث پرداخت.

۴. تحمل حدیث به گونه مستقیم برای محمد بن عیسی از امام رضا علیه السلام و سه امام بعد از ایشان امکان پذیر است.

۵. با توجه به اینکه برخی از شاگردان محمد بن عیسی مانند احمد بن محمد بن خالد برقی - متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق - و احمد بن محمد بن عیسی اشعری در زمره شاگردان و راویان حسن بن محبوب قرار دارند، بنابراین، چالشی در ارتباط روایی میان محمد بن عیسی با حسن بن محبوب پذیرفته نیست.

۶. بر پایه سه راهکار نوین پیش گفته برای چالش‌زدایی از رابطه روایی محمد بن عیسی با یونس و همچنین پذیرش این رابطه توسط بزرگانی چون سعد بن عبدالله قمی، محمد بن حسن صفار و عبدالله بن جعفر حمیری می‌توان به دو نتیجه مهم رسید:

- اثبات ارتباط روایی متعارف بین محمد بن عیسی بن عبید با یونس.
- قابل قبول بودن سنّ محمد بن عیسی در ارتباط روایی با یونس بن عبدالرحمان.

کتاب‌نامه

۱. الأصول الستة عشر، مصحح: ضیاء‌الدین محمودی، نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، قم: مؤسسة دارالحدیث الثقافية، ۱۴۲۳ق
۲. ابراهیم بن هاشم، بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت، سید علیرضا حسینی شیرازی، قم: نشر رودآبی، ۱۴۰۰ش.
۳. اثبات الوصیة، علی بن حسین مسعودی، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۴ش.
۴. الإختصاص، محمد بن محمد بن مفید، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵. إختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۶. الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن الحسن طوسی، مصحح: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
۷. إستقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، محمد بن حسن بن شهید ثانی، قم: مؤسسة آل‌البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.
۸. إطلالة علی الرجال و الحدیث، السید حسین الطباطبائی البروجردی، اعداد، محمد مهدی نجف، قم: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية، ۱۴۲۱ق.
۹. الإلماع إلى معرفة أصول الرواية وتقييد السماع، عیاض بن موسی، المحقق: السید أحمد صقر، القاهرة / تونس: دار التراث و المكتبة العتیقة، ۱۳۷۹ق.
۱۰. الأمالی (مفید)، محمد بن محمد مفید، مصحح: حسین استاد ولی، علی‌اکبر غفاری، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۱. الأمالی (صدوق)، محمد بن علی ابن بابویه، تهران: انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۱۲. الأمالی (طوسی)، محمد بن الحسن طوسی، قم: مؤسسة البعثة، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۱۳. بحوث فی مبانی علم الرجال، محمد سند، تنظیم: محمد صالح تبریزی، قم: انتشارات مدین، ۱۴۲۹ق.
۱۴. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محمد بن الحسن الصفار، تصحیح: محسن کوجه‌باغی، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.

۱۵. تاریخ الرسل و الملوك، محمد بن جرير الطبري، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دارالمعارف، ۱۳۸۷ق.
۱۶. تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي، جلال الدين السيوطي، تحقيق: ابوقتيبة نظر محمد الفاريابي، دارطبية، بی جا، بی تا.
۱۷. التقريب والتيسير لمعرفة سنن البشير النذير في أصول الحديث، ابوزكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي، تحقيق: محمد عثمان الخشت، بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۰۵ق.
۱۸. تکملة الرجال، عبدالنبي كاظمي، محقق: محمد صادق بحر العلوم، قم: أنوار الهدى، ۱۴۲۵ق.
۱۹. التوحيد، محمد بن علي ابن بابويه، مصحح: هاشم حسيني، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۳۹۸ق.
۲۰. تهذيب الأحكام، محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق: حسن الموسوي خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۱. تنقيح المقال في علم الرجال، عبدالله مامقاني، [بی نا]، [بی جا]
۲۲. الخصال، محمد بن علي بن بابويه الصدوق، تحقيق: علي أكبر غفاري، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۳۶۲ش.
۲۳. دلائل الإمامة، محمد بن جرير طبري آملی، مصحح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: انتشارات بعثت، ۱۴۱۳ق.
۲۴. الرجال، حسن بن علي بن داوود حلي، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۲۵. رجال الطوسي، محمد بن الحسن الطوسي، تصحيح: جواد القيومي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۳۷۳ش.
۲۶. رجال العلامة الحلي، حسن بن يوسف بن مطهر حلي، مصحح: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۷. رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه، ۱۳۶۵ش.
۲۸. الرعاية في علم الدراية، زين الدين علي بن أحمد، تحقيق: عبدالحسين محمد علي البقال، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۱۳ق.
۲۹. الرسائل الرجالية، سيد محمد باقر شفتي، (حجة الاسلام اصفهاني)، تحقيق: سيد مهدي رجايي، اصفهان: مكتبه مسجد سيد، ۱۴۱۷ق.
۳۰. رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين، احمد بن محمد الزراري، تصحيح: سيد محمد رضا جلالی، قم: دار زين العابدين، ۱۴۳۷ق.
۳۱. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، مصحح: حسين موسوي کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۳۲. شرح فروع الكافي، محمد هادي بن محمد صالح مازندراني، تحقيق: مجيد جواد محمودي - محمد حسين درايي، قم: انتشارات دار الحديث، ۱۴۳۱ق.

۳۳. شعب المقال فی درجات الرجال، ابوالقاسم بن محمد نراقی، محقق: محسن احمدی، قم: کنگره بزرگداشت محققان ملا مهدی و ملا احمد نراقی، ۱۴۲۲ق.
۳۴. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل ابوعبدالله البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۳۵. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرواة، السيد علی أصغر الجابلقی، تحقیق: السيد مهدی الرجائی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ق.
۳۶. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم: انتشارات داوری، ۱۳۸۵ش.
۳۷. علم طبقات المحدثین، أهمیته وفوائده، أسعد سالم تیم، الرياض: مکتبه الرشد، ۱۴۱۵ق.
۳۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۳۹. الغیبه، محمد بن الحسن طوسی، مصحح: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۴۰. فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، علی بن موسی بن طاووس، قم: دارالذخائر، ۱۳۶۸ق.
۴۱. الفوائد الرجالية، اسماعیل بن محمد حسین خواجویی، محقق: مهدی رجایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۳ق.
۴۲. الفهرست، محمد بن إسحاق بن الندیم، تحقیق: إبراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
۴۳. فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۴۴. قاموس الرجال، محمدتقی شوشتری، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۵. قیسات من علم الرجال، السيد محمد رضا السیستانی، تنظیم: السيد محمد البکاء، بیروت: دارالمورخ العربی، ۱۴۳۷ق.
۴۶. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
۴۷. قصص الأنبياء علیهم السلام، سعید بن هبة الله قطب‌الدین راوندی، مصحح: غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد: مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۹ق.
۴۸. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۴۹. الکافی (دار الحدیث)، محمد بن یعقوب کلینی، مصحح: دارالحدیث، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۵۰. کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ش.
۵۱. کتاب الرجال، احمد بن ابی عبدالله البرقی، تصحیح: حسن مصطفوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۵۲. کمال الدین و تمام النعمة، محمد بن علی بن بابویه، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: المکتبه الإسلامية، ۱۳۹۵ق.

٥٣. مباحث الأصول، تقريراً لأبحاث السيد محمداقصر الصدر، السيد كاظم الحسينى الحائرى، قم: انتشارات دارالبشير، ١٤٠٨ق.

٥٤. مختصر البصائر، حسن بن سليمان بن محمد حلى، مصحح: مشتاق مظفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٢١ق.

٥٥. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين نورى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٨ق.

٥٦. مصباح المتبجّد و سلاح المتعبّد، محمد بن الحسن طوسى، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.

٥٧. معانى الأخبار، محمد بن على بن بابويه، مصحح: على اكبر غفارى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٣ق.

٥٨. معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ابوالقاسم خويى، بى نا، بى جا، ١٤١٣ق.

٥٩. معجم مقاييس اللغة، أحمد بن فارس، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤٠٤ق.

٦٠. معرفة أنواع علوم الحديث (مقدمة ابن الصلاح)، تقى الدين عثمان بن عبدالرحمن، المحقق: نورالدين عتر، سوريا/ بيروت: دارالفكر و دارالفكر المعاصر، ١٤٠٦ق.

٦١. من لا يحضره الفقيه الصدوق، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٣ق.

٦٢. منهج النقد فى علوم الحديث، نورالدين محمد عتر الحلبى، دمشق: دارالفكر، ١٤١٨ق.

٦٣. نتيجة المقال فى علم الرجال، شيخ محمد حسن مازندرانى، محقق: باسم محمد الاسدى، قم: انتشارات دليل ما، ١٤٣٢ق.

٦٤. النجعة فى شرح اللمعة، محمد تقى شوشترى، مصحح: على اكبر غفارى، قم: مكتبة الصدوق، ١٣٧٧ش.

٦٥. وصول الأخبار إلى اصول الأخبار، حسين بن عبدالصمد العاملى، المحقق: السيد عبداللطيف الكوه كمرى، مجمع الذخائر الإسلامية، بى تا.

مقالات:

٦٦. الطبقات و اثرها فى الحديث الشريف، حسن كريم ماجد الربيعى، مجله علوم الحديث، العدد ٢٣، محرم و جمادى الآخرة ١٤٢٩، ص ٣٢.

٦٧. نقش تعبير واسطه در معجم رجال، سيد محمدجواد، شبيرى، تنظيم: سيد محسن ميرمهدي، مجله ره آورد نور، شماره ٦٧ تابستان ١٣٩٨ و شماره ٦٩، زمستان ١٣٩٨.